

کتاب‌های عزرا و نحمیا

پیشگفتار

بازسازی نهایی معبد سالها بعد، در دوره حجّی و زکریای نبی، در دوره شاهنشاهی داریوش تکمیل شد (۵: ۱-۲).

بر اساس فصل‌های ۷-۱۰، پس از وقفه‌ای طولانی به مدت چند دهه، عزرای کاهن و کاتب که رسماً از سوی اردشیر، پادشاه پارس، مأموریت یافته بود، به اورشلیم می‌آید و با دیدن وضعیتی که چندان با سنت یهود سازگار نبود، پریشان و اندوهگین می‌شود، خصوصاً با مشاهده وصلت‌های متعددی که میان یهودیان و بت‌پرستان صورت گرفته بود. او در این خصوص، دست به اصلاحاتی ریشه‌ای می‌زند و بیگانگان را به آنسوی مرزهای سرزمین یهود می‌فرستد، مرزهایی که در این زمان، نسبتاً محدود بود.

در آغاز کتاب نحمیا (فصل‌های ۱-۷)، شرح داده می‌شود که چگونه نحمیا، این عضو بلندپایه دربار اردشیر پادشاه، از دریافت خبرهایی از هموطنان خود در اورشلیم اندوهگین می‌شود، و از پادشاه اجازه می‌گیرد تا برای بازرسی پایتخت یهود روانه آن دیار شود و با مرمت حصار شهر، شروع به بازسازی این شهر نماید. مرمت حصار به واسطه غیرتی که نحمیا نشان داد، پنجاه و دو روز طول کشید؛ او ناگزیر بود در آن واحد، هم با

کتاب‌های عزرا و نحمیا در اصل کتابی واحد را تشکیل می‌دادند. آنها متعلق به دوره‌ای هستند که به دنبال بازگشت یهودیان از اسارت بابل آغاز شد و بیش از یک قرن طول کشید. اقدامات دو شخصیت اصلی این کتاب‌ها، یعنی عزرا و نحمیا، در هیچ جای دیگری از کتاب‌های عهدعتیق عبری مورد اشاره قرار نگرفته است. بدون این دو کتاب که نام آنان را بر خود دارند، اگر نگوئیم غیر ممکن، اما بسیار دشوار می‌شد که از رویدادهای مربوط به احیای یهودیت بعد از تجربه سخت تبعید آگاهی یافت.

محتوای کتاب‌ها

بخشهای مختلف این دو کتاب را می‌توان به سادگی از هم تشخیص داد: کتاب عزرا در آغاز (فصل‌های ۱-۶) بیان می‌کند که نخستین گروه از اسیران چگونه توانستند به موجب اجازه کوروش، پادشاه پارس، که به تازگی بابل را فتح کرده بود، به اورشلیم بازگردند. ایشان قربانگاه را در محل ویران شده معبد اورشلیم مجدداً بر پا کردند، حتی پیش از آنکه دست به بازسازی خود پرستشگاه بزنند؛ برپایی قربانگاه با وجود مشکلات فراوانی صورت گرفت که از سوی حکام منطقه و دشمنان یهودیت ایجاد می‌شد.

پیشگفتار کتاب های عزرا و نحمیا

- دشمنان مقابله کند و هم همه ساکنان شهر را ترغیب به شجاعت و انضباط نماید.
- ۱: دعای نحمیا.
- ۲: سفر نحمیا به اورشلیم.
- ۳:۱-۳۲ مرمّت حصار اورشلیم.
- ۳:۳ تا ۴:۱۷ موانع و مشکلات.
- ۵: بی عدالتی های اجتماعی. مداخلت نحمیا.
- ۶: خاتمه بازسازی حصار.
- ۷: سرشماری اسرائیلیان.
- ۸: قرائت شریعت برای قوم.
- ۹: دعای اعتراف به گناهان.
- ۱۰: تعهدات مختلف.
- ۱۱: تقسیم بندی ساکنان اورشلیم.
- ۱۲: کاهنان و لایوان.
- اصلاحات مختلف نحمیا.

تاریخچه ادبی این کتاب ها نسبتاً پیچیده است. ترجمه های قدیمی یونانی عهدعتیق، علاوه بر ترجمه این دو کتاب که به صورت یک واحد عرضه شده اند، شامل کتاب دیگری به نام عزرا است که با این دو کتاب (عزرا و نحمیا) بسیار متفاوت است و اغلب با عنوان «عزرای یونانی» یا «کتاب اول عزرا» نامیده می شود (و در این حالت، «کتاب دوم عزرا» در این ترجمه ها، همین کتاب هایی است که ما امروز عزرا-نحمیا می نامیم). عزرای یونانی علاوه بر اینکه حاوی بخشهایی از «تواریخ» و «عزرا» می باشد، روایاتی آپوکریف را نیز شامل می گردد (نظیر سه خدمتکار جوان داریوش). اما سنت لاتین حاوی چهار کتاب عزرا است: کتاب اول مطابق است با عزرای که اکنون در دست داریم؛ کتاب دوم با نحمیای کنونی؛ کتاب سوم با عزرای یونانی؛ و کتاب چهارم اثری است مکاشفه ای و متأخر که به عزرا نسبت داده

لذا طرح این دو کتاب را می توان این گونه عرضه کرد:

عزرا

- ۱: فرمان کوروش.
- ۲: فهرست تبعیدیونی که به وطن بازگشتند.
- ۳: برقراری عبادات.
- ۴:۱-۵ کارشکنی های دشمنان یهودا.
- ۴:۶-۲۴ مکاتبات انجام شده در دوره خشایارشا و اردشیر.
- ۵ تا ۶:۱۸ بنای خانه خدا.
- ۶:۱۹-۲۲ عید گذر.
- ۷:۱-۱۰ عزرای کاتب.
- ۷:۱۱-۲۸ نامه اردشیر.
- ۸:۱-۱۴ همراهان عزرا.
- ۸:۱۵-۳۶ سفر عزرا به اورشلیم.
- ۹: دعای تذلل عزرا.
- ۱۰:۱-۱۷ بازپس فرستادن زنان بیگانه.
- ۱۰:۱۸-۴۴ فهرست مجرمین.

مردمان سرزمین که مخالف یهودیان بودند (عز ۴: ۶-۲۴) پیش آمد. اما بر اساس ترتیب تاریخی رویدادها، چنین امری غیر ممکن است، زیرا بازسازی معبد در سال دوم سلطنت داریوش، یعنی در سال ۵۲۰ ق.م. آغاز شد (عز ۴: ۲۴؛ حجی ۱: ۱۵) و در سال ششم همین پادشاه به پایان رسید، یعنی در حدود سال ۵۱۵ ق.م. (عز ۶: ۱۵). اما متن عز ۴: ۶-۲۳ مربوط به رویدادهای دوره اردشیر می شود، یعنی دست کم پنجاه یا شصت سال بعد از بازسازی معبد. محتمل ترین فرضیه برای حل این مسأله این است که عز ۴: ۶-۲۴ را سندی مربوط به توقف عملیاتی به شمار آوریم که به بازسازی معبد مربوط نمی شده، یعنی احتمالاً عملیات بازسازی حصار شهر در دوره سلطنت اردشیر؛ چنین فرضی همچنین اقدامات بعدی نحمیا برای از سرگیری این عملیات و خاتمه بخشیدن به آنها را به شکلی نسبتاً خوب توجیه می کند، اقداماتی که در همین دوره، یعنی در روزگار اردشیر روی داده است (نح ۱-۴ و ۶). حتی محتوای مکاتبات سیاسی عز ۴: ۶-۲۳ نیز به روشنی از بازسازی شهر و حصارها سخن می گوید، نه از بازسازی معبد (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۶). مشخص نیست این سند چگونه در وسط روایتی جای گرفته که مربوط می شود به بازسازی معبد که دهها سال پیش از این رخ داده است؟ از آنجا که موضوع سند مربوط به عملیاتی می شده که به دستور پادشاه پارس متوقف شده بود، شاید نگارنده به هنگام نگارش کتاب، میان عملیات بازسازی معبد در دوره داریوش و عملیات مرمت حصار در دوره اردشیر، دچار اشتباه شده باشد.

موقعیت دوره نحمیا، بلکه به دوره ای میانی که ممکن است دوره زروبابل و یسوع باشد (شاید به همین دلیل باشد که نام این دو شخص در آغاز فهرست ها ذکر شده است). شاید اینها مربوط باشند به سرشماری قومی که حد اقل از بیست سال پیش از بازسازی معبد دوم به اورشلیم بازگشته بودند (۵۲۰-۵۱۵ ق.م.). تعیین تاریخ نگارش این کتاب ها نیز دشوار است، چرا که باید به مجموعه اثر توجه داشت، اثری که شامل تواریخ-عزرا-نحمیا می گردد. با توجه به محتوای تاریخی این اثر، و اندیشه های مذهبی ای که در آن دیده می شود، و نیز محفلی که ظاهراً نگارنده به آن تعلق داشته، می توان حدس زد که پایان نگارش اثر تاریخی عظیم او احتمالاً در فاصله زمانی بین اواخر سده چهارم و اواسط سده سوم ق.م. صورت گرفته است. البته چنین دوره ای فقط به نگارش نهایی این کتاب ها مربوط می شود، در حالی که منابع ادبی مورد استفاده قطعاً به دوره هایی بسیار پیش از این تعلق دارند.

مسائل تاریخی

تجزیه و تحلیل کتاب های عزرا-نحمیا مسائل دیگری را نیز مطرح می سازد که به خود رویدادهای تاریخی مربوط می شود. دو مورد از این مسائل مهم هستند و سبب شده اند تا فرضیه های مختلفی شکل گیرد، اما هیچیک از آنها راه حلی قطعی به دست نمی دهند. مسأله اول مربوط می شود به ایجاد وقفه در بازسازی معبد اورشلیم (عز ۴). بر اساس متن، این وقفه به دستور اردشیر، پادشاه پارس (۴۶۵-۴۲۴ ق.م.) و به دنبال شکایات

۶:۱۳). برخی دیگر نیز معتقدند که عزرا در طول سفر دوم نحمیا به اورشلیم به این شهر آمده (که این فرضیه حضور همزمان هر دو را که در نح ۸:۹ ذکر شده، توجیه می کند)، اما در این صورت، باید تاریخی را که در عز ۷:۸ ذکر شده تغییر داد، یعنی آن را به جای سال هفتم اردشیر، سال بیست و هفتم یا سی و هفتم این پادشاه دانست (یعنی یا ۴۳۸ ق.م. یا ۴۲۸ ق.م.).

و بالاخره، فرضیه دیگری ارائه شده که شاید محتمل ترین باشد. طبق این فرضیه، باید تمام فعالیت های نحمیا را به دوره ای پیش از حضور عزرا بر صحنه مربوط دانست؛ در این صورت، نح ۱-۷ و ۱۰-۱۳ مربوط می شوند به اقدامات این فرد در امر بازسازی و اصلاحات مذهبی. بعدها، در دوره ای که می تواند سال هفتم سلطنت اردشیر دوم (و نه اردشیر اول) بوده باشد، یعنی حدود سالهای ۳۷-۳۸ ق.م.، عزرا به اورشلیم می آید (عز ۷:۷). در اینجا بوده که او دست به اصلاحات مذهبی خود می زند (عز ۷-۱۰) و مذهب را به دنبال قرائت پرشکوه شریعت به حالت اولیه خود باز می گرداند (نح ۸-۹). اما این فرضیه همه مشکلات را حل نمی کند و حضور نحمیا را به هنگام قرائت شریعت (نح ۸:۹) توجیه پذیر نمی سازد. اما نباید از نظر دور داشت که این اشاره اخیر می تواند اثر دست نگارنده نهایی بوده باشد که اقدامات این دو تن را به شکلی ارائه داده که گویی هر دو همزمان بوده اند. ممکن است نگارنده تاریخ های مربوط به سفرها و اصلاحات ایشان را مد نظر قرار نداده است. ظاهراً او بیشتر کوشیده تا برتری عزرای کاهن و کاتب را بر

اما مسأله دوم پیچیده تر است و مربوط می شود به ترتیب تاریخی اقدامات عزرا و نحمیا در اورشلیم. طبق ترتیب تاریخی روایت، به آن شکل که امروز در دسترس ما است، عزرا در سال هفتم اردشیر به اورشلیم رسید (عز ۷:۷)، و اقدامات اصلاحی خود را آغاز کرد (عز ۸-۱۰)، و نحمیا نیز در سال بیستم اردشیر به اورشلیم رسید (نح ۲:۱) و اقدام به بازسازی حصار شهر کرد (نح ۱-۷). سپس می بینیم که عزرا بار دیگر بر صحنه ظاهر می شود تا شریعت را طی مراسمی پرشکوه قرائت کند (نح ۸-۹)، حال آنکه در نح ۱-۷ دیگر سخنی از او به میان نیامده است؛ و سرانجام، نحمیا به تنهایی و در طول سفر دیگری به اورشلیم در سال سی و دوم اردشیر (نح ۱۳:۶)، وارد عمل می شود. لذا به نظر می رسد که این دو شخص به طور همزمان، اما مستقل از یکدیگر در اورشلیم فعالیت می کردند و تقریباً به طور کامل از یکدیگر بی اطلاع بودند؛ این امر باعث تعجب است، چرا که هر دو قاعدتاً مأموریتی رسمی از اردشیر پادشاه داشتند (عز ۷:۱۱؛ نح ۲:۷-۸). برای حل این مشکل، راه حل های مختلفی ارائه شده است. برخی بر این اعتقادند که عزرا برای مدتی نسبتاً کوتاه در اورشلیم بوده و بعد به دربار پادشاه پارس باز گشته، در آن حال که نحمیا نیز در اورشلیم بوده است. در این صورت، باید چنین فرض کرد که این دو نفر با سرعت حیرت انگیزی جابه جا می شده اند، زیرا در نح ۸-۹ عزرا را بار دیگر در اورشلیم می بینیم، و نحمیا نیز قاعدتاً به دربار پارس باز گشته بود و دوازده سال بعد، باز به اورشلیم آمده است (نح

در این متون، سه موضوع در کانون توجه هستند که عبارتند از: معبد، شهر اورشلیم، و جامعه قوم خدا.

بازسازی معبد نخستین وظیفه قومی است که از اسارت بازگشته‌اند. وانگهی، هدف بازگشت از تبعید همین بازسازی پرستشگاه بوده که طبق عز ۱:۲، قبلاً کوروش پادشاه در فرمان خود، دستور آن را صادر کرده بود. خانه خدا نشانه واقعی و مادی حضور خدا در میان قومش می‌باشد. همچنین مکانی است که در آن عبادات صورت می‌پذیرد؛ همین امر بیانگر اهمیت تمام اموری است که به کهانت (۲:۳۶-۳۹)، به لاویان، و به تمام کارکنان مکان مقدس (۲:۴۰-۶۳) مربوط می‌شود، و نیز به اشیاء مذهبی و هدایا (۱:۹-۱۱:۲:۶۸-۶۹)، و خصوصاً قربانگاهی که پیش از هر چیز بر پا شده بود تا قربانی‌ها بر آن تقدیم شود، حتی پیش از بنای معبد جدید (۳:۱-۷). چنانچه می‌بینیم تأخیری در بازسازی معبد رخ می‌دهد، علتش عمدتاً خصومت دشمنانی است که می‌کوشند مانع از گسترش نفوذ یهودیان شوند (فصل ۴)، اما سخنی از غفلت، بی‌تفاوتی، و دلسردی خود یهودیان در انجام این وظیفه به میان نیامده است (گرچه حجی در خصوص این موارد نبوت کرده است؛ حجی ۱:۲-۵). بر عکس، در عز ۶، می‌بینیم که قوم یهود به هنگام تقدیس معبدی که کار بنایش خاتمه یافته شادیه‌ها می‌کنند، معبدی که بیشتر کار خدا است تا انسان (آیه ۲۲).

موضوع معبد از خود شهر تفکیک‌ناپذیر است، و نگرانی برای اورشلیم، شهری که برای زمان حال و آینده مقدس می‌باشد، یکی

نحمیا که سمت رسمی کاهنی نداشت، نشان دهد. شاید همین نکته الهیاتی باشد که ترتیب واقعی رویدادها را برهم زده است. اما این تنها یک فرضیه است و هنوز راه حلی کاملاً رضایت‌بخش برای این مشکل یافت نشده است.

چشم‌اندازهای مذهبی

کتاب های عزرا و نحمیا قطعاً جزو پرخواننده‌ترین کتاب‌های کتاب مقدس نیستند. بسیاری از خوانندگان کتاب مقدس آشنایی اندکی با آنها دارند و فکر می‌کنند که در آنها فقط اسنادی خواهند یافت که برای مطالعه تاریخ کتاب مقدس جالب است و برای امروز فایده‌چندانی ندارد. چنین تصویری درست نیست و بر پیشداوری استوار می‌باشد. این دو کتاب بی‌تردید با سایر کتبی که محتوای مذهبی‌شان بسیار غنی‌تر است قابل‌مقایسه نیست، کتبی نظیر مزامیر، ایوب، یا انبیا. اما چنانچه بر اهمیت مذهبی و ارزش همیشگی آنها در مجموعه کتاب‌های کتاب مقدس که اینچنین غنی و متنوع می‌باشند تأکید نگذاریم، در واقع نشان می‌دهیم که آشنایی درستی با آنها نداریم. در یک ارکستر، آلات موسیقی همه از جایگاه و صدایی یکسان برخوردار نیستند، اما همگی برای اجرای سمفونی در کاملیتش ضروری می‌باشند.

این دو کتاب حاوی بحثی الهیاتی در معنای خاص کلمه نیستند، اما در رویدادهای ملموسی که بازگو می‌کنند، می‌توان اندیشه‌هایی غالب را یافت که قهرمانان‌شان را هدایت کرده‌اند.

را به اقتضای شرایط کنونی پیوند می دهند. این احیا می بایست در عرصه های مختلف به اجرا در آید، و پیش از هر چیز، در عرصه مذهب: عزرا به شکلی پرشکوه، شریعت موسی را پیش از عید خیمه ها قرائت می کند (نح ۸) و آن را برای مردم توضیح می دهد، و با این کار، عناصر اصلی پدیده ای را فراهم می سازد که بعدها همان خدمت کنیسه خواهد شد. شریعت شالوده حیات یهودیت است و در طول قرون و اعصار نیز چنین باقی خواهد ماند.

اطاعت از شریعت خدا همچنین توضیح می دهد که چرا این دو مرد گاه دست به اقداماتی جدی می زنند تا قوم را بسوی احترام به اعیاد، روز سبت، تعهدات مربوط به هدایا و ده یک (برای عبادات و کاهنان) هدایت کنند (نح ۱۰؛ ۱۲؛ ۱۳: ۱-۲۲)، و نیز با وصلت با بت پرستان مقابله نمایند (عز ۱۰؛ نح ۱۳: ۲۳-۲۹). همچنین به خاطر وفاداری به شریعت است که نحمیا، با سخنان خود و با الگویی که شخصاً ارائه داد، توانست مشکلی اجتماعی را حل کند، مشکلی که ناشی می شد از فاصله در وضع اقتصادی گروههای مردم و نابرابری طبقاتی فاجعه آمیز که موجب ایجاد شقاق در میان قوم شده بود.

اما با وجود این اقتضاها و مطالبات شرعی، مذهب عزرا و نحمیا فاقد شریعت گرایایی خشکی است که می توانست چشم اندازهای نادرستی در مورد این مذهب پدید آورد، همان امری که معمولاً در این گونه موارد پیش می آید. شریعت کماکان شریعت خدای زنده ای است که سخن می گوید و عمل می کند، و قوم می توانند از طریق عبادتی صادقانه و دعایی خودجوش بسوی او بیایند.

از انگیزه هایی است که نحمیا را بر آن داشت تا از اردشیر پادشاه اجازه بگیرد تا به پایتخت یهودیان بیاید و آن را مرمت کند و اهمیتش را به آن بازگرداند. این دغدغه برای اورشلیم توجیه کننده غیرت میهنی و مذهبی ای است که او برای بازسازی حصار ویران، با همکاری تمام جمعیت، از خود نشان داد (نح ۲-۶). این برای او مأموریتی عمیقاً مذهبی بود، مأموریتی که خدا بر دوشش گذاشته بود و او آن را با وجود مشکلات و مبارزات به انجام رسانید، با این اطمینان که خدا با او است و برای قوم خود می جنگد. متعاقب این امر، او اقدام به جذب جمعیت به اورشلیم می کند، جمعیتی که شهر را به قصد زمینهای مزروعی ترک کرده بودند (نح ۱۱)؛ همچنین ترتیبی می دهد که روز سبت گرامی داشته شود (نح ۱۳: ۱۵-۲۲). همه این اقدامات حاکی از این است که برای او، اورشلیم می بایست بار دیگر خصوصیت شهری مقدس را به دست آورد. این چیزی نبود جز تداوم تمام تاریخ گذشته که در اثر ویرانی و اسارت دچار وقفه شده بود.

اما اهمیت واقعی معبد و شهر وابسته به قومی است که در این مکان زندگی می کنند، قومی که جامعه خدا را تشکیل می دهند. این جامعه که در اثر تبعید تکانی شدید خورده، باید بر شالوده حقیقی خود احیا شود که همانا اطاعت از «شریعت» خدا است. در اینجا است که اهمیت کار عزرا و نحمیا به طور خاص پدیدار می گردد. قوم یهود دیگر استقلال سیاسی ندارند، اما اگر به موجودیت خود ادامه می دهد، دقیقاً به این دلیل است که ایشان جامعه ای مذهبی هستند که سنت کهن

دشمن یهودیان بودند. در بطن چنین اقداماتی است که مقدمه خصومت میان یهودیان و سامریان شکل می گیرد، خصومتی که در دوره های بعدی منجر به شقاق خواهد شد (احتمالاً حدود ۳۲۸ ق.م.ا).

کتاب های عزرا و نحمیا «شخصیت» این دو مرد را به طور خاص آشکار می سازند که گرچه با هم تفاوت بسیار داشتند، اما از اشتیاقی یکسان برای احیای قوم و حیات مذهبی ایشان برخوردار بودند. عزرا را می بینیم که کاهن است و کاتب، متخصص در زمینه شریعت، الهام بخش بیداری مذهبی، فردی سختگیر در خصوص سازش با اقوام بت پرست؛ و نحمیا را می بینیم، مردی در لباس غیر روحانی، پراز تحرک و شجاعتی مهارناپذیر، که بی اعتنایی اش به مال دنیا الگویی بارز به دست می دهد، و مرد دعا و ایمان نیز هست. با این حال، ارزش این دو مرد هر چه باشد، شخصیتشان هیچگاه جلوتر از عملشان قرار نمی گیرد. ایشان رسالتی را که خدا بر دوششان گذاشته به کمال می رسانند، و بعد از صحنه ناپدید می شوند، طوری که چیزی در باره زندگی، پایان فعالیت ها و مرگ ایشان نمی دانیم. شخصیت آنان در پس عملشان محو می شود، و رویدادهایی که پیش و پس از خدمتشان رخ داده در هاله ای از ابهام قرار می گیرد. این نیز یکی از ویژگیهای حیات مذهبی یهودیت در دوره ایشان می باشد.

در هر لحظه از رویدادهای این کتاب ها، شاهد آن هستیم که این مردان به خدا روی می آورند تا از او درخواست مشورت، یاری، و محافظت نمایند، با قدردانی خود را شادمانه به او ابراز دارند (عز ۳:۱۱؛ ۶:۲۱-۲۲؛ ۷:۲۷-۲۸؛ نح ۱:۴-۱۱؛ ۴:۴-۵؛ ۵:۱۹ و غیره). دو دعای مهم که در عز ۹ و نح ۹ حفظ شده، احتمالاً حاوی عناصر نیایشی است که در مذهب یهود متداول بوده است (توبه، اعتراف به گناهان، درخواست مغفرت الهی، یادآوری تاریخ گذشته قوم و بی وفایی های ایشان، توکل به خدای اسرائیل، و غیره). این متون نشان می دهند که موعظه های انبیای پیش از دوره تبعید، سرانجام ثمر آورد و قوم را به ابراز این احساسات حاوی فروتنی و ایمان به خدای بخشاینده هدایت کرد.

باید به جنبه دیگری از حیاب مذهبی یهودیان نیز در این دوره در اورشلیم اشاره کرد که قطعاً ثانوی است، اما ارزشی بسزا دارد؛ این جنبه همانا «مبارزه» با برداشتی سبک و پذیرا از مذهب است که می توانست در نهایت منجر به سازش با بت پرستی گردد. اقداماتی که بر علیه وصلت با بت پرستان صورت گرفت، حکایت از همین مبارزه دارد؛ همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که هر گونه همکاری با مردمان سرزمین به طور قطعی رد شد، مردمانی که اظهار آمادگی می کردند تا در کار بازسازی حصار همکاری کنند (نح ۲:۱۹-۲۰؛ ۴:۶؛ و غیره)، اما در واقع،

کتاب عزرا

فرمان کوروش

خانه‌ای در اورشلیم که در یهودا است بنا کنم. ^۳ هر آن کس از میان شما^f که از قوم او است^g، با دا که خدایش با او باشد و به اورشلیم که در یهودا است بر آید و خانه یهوه، خدای اسرائیل را بنا کند؛ این خدایی است که در اورشلیم می باشد. ^۴ و به همه آنانی که باقی می ماند^h، در هر محلی که اقامت دارند، با دا که مردمان آن مکان مساعدت خود را به صورت نقره، طلا، اموال، احشام، و نیز به شکل هدایای داوطلبانهⁱ، برای خانه خدایی که در

^۱ و ^a در سال اول کوروش، پادشاه پارس^b، برای آنکه کلام یهوه که از دهان ارمیا [بیرون آمده بود]^c به طور کامل تحقق یابد، یهوه روح کوروش، پادشاه پارس را برانگیخت، و او با صدای بلند و نیز به صورت نوشته، این اعلامیه را در تمام مملکت خود انتشار داد^d: ^۲ «چنین سخن می گوید کوروش، پادشاه پارس: یهوه، خدای آسمان^e، همه ممالک زمین را به من داده، و او خود مرا مأمور کرده تا برایش

۲-توا ۳۶:
۲۲-۲۳:
۲۵:۱۱-۱۲:
۲۹:۱۰:

- a آیات ۱-۳ با ۲-توا ۳۶:۲۲-۲۳ یکسان هستند. بسیاری از مفسران بر این عقیده اند که کتاب های عزرا-نحمیا و تواریخ اثر دست نویسنده ای واحد می باشند، یعنی همان نگارنده «تواریخ».
- b کوروش از ۵۵۸ تا ۵۲۸ ق.م. سلطنت کرد. او پس از فتح بابل در بهار سال ۵۳۹ ق.م.، عنوان «پادشاه بابل» را بر خود نهاد. سال او سلطنت او در بابل، مصادف است با سال ۵۳۸ ق.م..
- c ارمیای نبی فقط پایان اسارت را پیشگویی کرده بود و برای آن، دوره ای معادل هفتاد سال را تعیین کرده بود؛ این رقمی است گردشده و احتمالاً باید آغاز آن را سال ۶۰۶ ق.م. تلقی کرد (ر.ک. ار ۱۱:۲۵-۱۲ و ۱۰:۲۹ و توضیحات آنها). نگارنده از ۳۸:۳۱ بازسازی اورشلیم را اعلام کرد، و اشعیای دوم نیز بر نقش کوروش گذارد و او را «مسح شده» (همان «مسیح») نامید؛ هم او است که تحت قدرت الهی، معبد را بازسازی کرده، بر همه اقوام زمین حکمرانی خواهد نمود (ر.ک. اش ۴۴:۲۸؛ ۴۵:۱-۶).
- d در اینجا، علاوه بر اعلامیه ای شفاهی، اعلامیه ای مکتوب یا سندی رسمی نیز داریم، مشابه عز ۲:۶-۸ (ر.ک. ۲-توا ۳۰:۵-۶؛ عز ۷:۱۰؛ نح ۸:۱۵).
- e پادشاهان پارسی «خدایان آسمان» را تکریم می کردند، نظیر اهورا-مزدا، خدای ملی ایشان. احتمالاً تحت چنین عنوانی بود که نسبت به بنای «خانه»، یعنی معبد خدای اسرائیلیان نظر مساعد نشان دادند.
- f این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «از میان شما، چه کسی به تمام قوم او تعلق دارد؟ با دا که خدایش...»
- g فرمان کوروش خطاب به همه تبعیدیان می باشد، اما تنها بخشی از آنان به سرزمین یهودا بازگشتند (ر.ک. آیه ۵).
- h در واژگان نبوتی، این «باقی ماندگان» دلالت دارد بر مجموع رهایی یافتگان، و به طور خاص، به اسرائیل وفادار که تنها بر خدا توکل دارند (ر.ک. اش ۱۰:۲۰-۲۱).
- i یعنی هدایایی که بستگی به گشاده دستی هر کسی دارد که به معبد و مذهب علاقه مند است، البته علاوه بر هدایایی که شریعت مقرر داشته است؛ همین فرمول در عز ۲:۶۸؛ ۷:۱۵-۱۶؛ ۸:۲۸؛ نح ۷:۶۹ مشاهده می شود.

بشقابهای نقره: ۱۰۰۰؛ کارد: ۲۹؛
 ۱۰ کاسه طلا: ۳۰؛ کاسه نقره درجه دو:
 ۴۱۰؛ سایر اشیاء: ۱۰۰۰. ۱۱ جمع اشیاء
 طلا و نقره: ۴۰۰/۵. همه اینها را
 شیشبصر بر آورد، آن هنگام که تبعیدیون را
 از بابل به اورشلیم بر آورد.

اورشلیم است، انجام دهند.^۵ رؤسای
 [خاندانهای] پدری یهودا و بنیامین،
 کاهنان و لایوان، همه آنانی که خدا
 روحشان را برانگیخته بود، آماده شدند که
 برآیند تا خانه یهوه را که در اورشلیم است
 بنا کنند.^۶ و تمام همسایگان نشان ایشان را
 به هر نحوی کمک کردند: نقره^۱، طلا،
 اموال، احشام، اشیاء قیمتی^m، بدون
 احتساب همه هدایای داوطلبانهⁿ.^۷ و
 کوروش پادشاه اشیاء خانه یهوه را که
 نبوکدنصر از اورشلیم برداشته بود و در
 خانه خدایش^o قرار داده بود، برداشت.
^۸ کوروش، پادشاه پارس، آنها را به واسطه
 میتردات^p خزانه دار برداشت؛ وی آنها را
 برای شیشبصر، سرور یهودا^q، شمرد.
^۹ تعداد آنها این است: بشقابهای طلا: ۳۰؛

نخ: ۶:۷-۷۲

فهرست تبعیدیون

۲^۱ و این است اهالی ولایت ها که از
 اسارت برآمدند - تبعیدیونی که
 نبوکدنصر، پادشاه بابل، به بابل تبعید
 کرده بود - و به اورشلیم و یهودا بازگشتند،
 هر یک به شهر خود^s، آنانی که با
 زروبابل، یسوع، نحمیا، سرايا، رعیلایا،
 نحمانی، مردخای، بلشان، مسفار، بغوای،
 رحوم، بعنه، آمدند.^t

J کوروش پس از فتح بابل، آزادمندی بسیاری در امور مذهبی از خود نشان می دهد. او می خواهد بیشتر به عنوان رهایی بخش شناخته شود تا فاتح. او بت هایی را که به یغما رفته و به دست پیشینیانش به بابل انتقال یافته اند، به معابدشان باز می گرداند. لذا این فرمان با سیاست مذهبی او توافقی کامل دارد.
 k. ر. ک. توضیح ۲: ۴۰.

l تحت اللفظی: «دستهای ایشان را با اشیاء نقره تقویت کردند.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی (۳-عز ۲: ۸).

m ترجمه یونانی (۳-عز ۲: ۸) چنین قرائت کرده است: «هدایای گرانبها به تعداد زیاد، علاوه بر...»
 n بازگشت از اسارت در اینجا به خروج از مصر تشبیه شده است. عبرانیانی که مصر را ترک می کردند، با دریافت اموال از همسایگان نشان ثروتمند شدند (ر. ک. خروج ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۲؛ ۱۲: ۳۵).

o می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «خانه خدایانش»؛ وجه جمع تداعی کننده تعدد گسترده خدایان بابلی است. متن در اینجا به رویدادهای سال ۵۸۷ ق. م. اشاره می کند (ر. ک. ۲-یاد ۲۵: ۱۳-۱۷).

p «میتردات» یا «میتربرات» نامی است پارسی به معنی «وقف شده به میترا» (همان «مهرداد» امروزی).

q «شیشبصر»، سرور یهودا، احتمالاً پسر یهوایکین پادشاه است. در ۱-توا ۳: ۱۸، از او با نام «شئاصر» یاد شده است. این نام در اصل بابلی است.

r تعداد کل اشیاء مذکور در این فهرست، یعنی ۵/۴۰۰، با جمع اشیاء شمارش شده (یعنی ۲/۴۹۹) مطابقت ندارد. شاید متن به خوبی انتقال نیافته، یا اینکه نگارنده «تواریخ» تنها بخشی از سندی کهن را که به زبان آرامی نوشته شده و در بایگانی نگاه داشته شده بوده، حفظ کرده است.

s نویسنده به منظور نشان دادن اهمیت حرکت عظیم تبعیدیون بسوی اورشلیم، آماري طولانی از جمعیت یهود را در اینجا گنجانیده که شامل بزرگان، افراد غیر کاهن، و کارکنان معبد می گردد. این فهرست با فهرست مذکور در نخ ۶: ۷-۷۲ موازی است، یعنی با سندی از بایگانی که نحمیا خود آن را کشف کرد. این سند قدیمی به نظر می رسد؛ اما مقصود اولیه نویسنده آن برای ما مبهم است: شاید توضیحی بوده باشد در خصوص افرادی که جزو نخستین کاروانهایی بودند که بسوی اورشلیم حرکت کرد؛ یا شاید به احتمال بیشتر، آماري باشد از یهودیانی که پیش از این مجدداً در یهودیه استقرار یافته بودند («اهالی ایالت ها»).

t نام «نحمانی» در متن عبری نیامده، اما با توجه به نخ ۷: ۷، سند اولیه احتمالاً شامل این نام بوده است. قوم اسرائیل از دوازده قبیله، تحت رهبری این دوازده رئیس به سرزمین خود باز می گردند. اسامی مهم در اینجا، زروبابل است که نوه یهوایکین پادشاه می باشد، یعنی کسی که می توانست مدعی تاج و تخت داود باشد (ر. ک. ۱-توا ۳: ۱۹)؛ و نیز باید به نام یسوع اشاره

بنی بیثیروت: ۷۴۳؛ ۲۶ بنی حرامه و بنی
جبع: ۶۲۱؛ ۲۷ مردان مکماس: ۱۲۲؛
۲۸ مردان بیت ئیل و عای: ۲۲۳؛ ۲۹ بنی
نبو: ۵۲؛ ۳۰ بنی مغبیش: ۱۵۶؛ ۳۱ بنی
عیلام دیگر: ۱/۲۵۴؛ ۳۲ بنی حاریم:
۳۲۰؛ ۳۳ بنی لود و بنی حادید و بنی اونو:
۷۲۵؛ ۳۴ بنی اریحا: ۳۴۵؛ ۳۵ بنی سنائخ:
۳/۶۳۰.

۳۶ کاهنان لا: بنی یدعیا (یعنی از خاندان
یشوع): ۹۷۳؛ ۳۷ بنی امیر: ۱/۰۵۲؛
۳۸ بنی فشحور: ۱/۲۴۷؛ ۳۹ بنی حاریم:
۱۰۱۷.

۴۰ لاویان: بنی یشوع (یعنی بنی قدمیئیل
و بنی هودویا): ۷۴۴.
۴۱ سرایندگان: بنی آساف: ۱۲۸^a.

تعداد مردان قوم اسرائیل^u: ۳ بنی
فرعوش: ۲/۱۷۲؛ ۴ بنی شفطیا: ۳۷۲؛
۵ بنی آرح: ۷۷۵؛ ۶ بنی فحت مواب (یعنی
بنی یشوع و یوآب): ۲/۸۱۲؛ ۷ بنی
عیلام: ۱/۲۵۴؛ ۸ بنی زتو: ۹۴۵؛ ۹ بنی
زکای: ۷۶۰؛ ۱۰ بنی بانئ: ۶۴۲؛ ۱۱ بنی
بابای: ۶۲۳؛ ۱۲ بنی أزجد: ۱/۲۲۲؛
۱۳ بنی ادونیقام: ۶۶۶؛ ۱۴ بنی بغوای:
۲/۰۵۶؛ ۱۵ بنی عادین: ۴۵۴؛ ۱۶ بنی
أطیر (یعنی از یحیزقیآ): ۷۹۸؛ ۱۷ بنی
بیصای: ۳۲۳؛ ۱۸ بنی یوره: ۱۱۲؛ ۱۹ بنی
حاشوم: ۲۲۳؛ ۲۰ بنی جبآار: ۹۵؛ ۲۱ بنی
بیت لحم^w: ۱۲۳؛ ۲۲ مردان نطوفه: ۵۶؛
۲۳ مردان عناتوت: ۱۲۸؛ ۲۴ بنی عزموت:
۴۲؛ ۲۵ بنی قریت یعاریم، بنی کفیره، و

کرد که نوه سرابای کاهن اعظم بوده، خودش نیز کاهن اعظم می باشد (ر.ک. ۱-توا ۵:۴۰ و ۲-پاد ۱۸:۲۵). سایر اسامی
ناشناخته هستند. از شیشبصر نامی برده نشده است. کاروان شیشبصر که مأمور پادشاه پارس برای بازسازی معبد بود، احتمالاً
اندکی پیش از کاروان زروبابل، مأمور بازگرداندن تبعیدیون، روانه شده بود.
u در آیات ۳-۳۵، فهرست یهودیان بر اساس طایفه یا زادگاهشان (آیات ۲۱-۳۴) ارائه شده است.
v متن یونانی (عز ۳: ۱۵-۱۶) چنین اضافه می کند: «بنی کیلان و بنی ازتاس: ۶۷؛ بنی ازور: ۴۳۲؛ بنی آتیا: ۱۰۱؛ بنی
اروم...»

w مکان هایی که نامشان در پی می آید، در بخش شمالی قلمرو یهودا واقع شده اند: این فهرست، در جنوب، از بیت لحم و نطوفه
فراتر نمی رود، و در شمال از عای و بیت ئیل، و در غرب از لود و حادید و اونو، و در شرق، از اریحا. در آیات ۲۱، ۲۴، ۲۶،
۲۹، در مقابل اسامی مکان ها، باید احتمالاً به جای «بنی...»، مانند فهرست نحمیا، «مردان...» قرائت کرد؛ شاید لازم
باشد آیات ۳۰ و ۳۳-۳۵ را نیز اصلاح کرد، اما چنین کاری بر خلاف مندرجات کتاب نحمیا خواهد بود.
x برخی از این مکان ها به خوبی شناخته شده هستند: عناتوت (آیه ۲۳) که زادگاه ارمیا بود؛ سه شهر جیعونی (آیه ۲۵) در شمال
اورشلیم (ر.ک. یوشع ۹:۱۷)؛ حرامه یا همان رامه (آیه ۲۶) که اقامتگاه سموئیل بود (ر.ک. ۱-سمو ۷:۱۷)، و جبع که
یکی از شهرهای لاویان بود (ر.ک. یوشع ۱۷:۲۱). تعیین محل سایر مکان ها دشوارتر است. در آیات ۳۱-۳۲، اسامی افراد
ارائه شده است (ر.ک. آیات ۷ و ۳۹).

y کاهنان که به چهار خانواده تقسیم شده اند، به تعداد بسیار به اورشلیم بازگشتند تا وظایف مذهبی خود را از سرگیرند. از میان
آنها، دو خانواده را از دوره پیش از تبعید می شناسیم، یعنی خانواده های یشوع و امیر (ر.ک. ار ۱:۲۰). دست کم این دو
خانواده، اگر نگوئیم هر چهار، از اعقاب صادوق می باشند.

z برخی چنین ترجمه می کنند: «لاویان: بنی یشوع و بنی قدمیئیل، یعنی بنی هودویا.» بر اساس ترجمه یونانی (عز ۳: ۲۶)،
شاید لازم باشد چنین قرائت کرد: «لاویان: بنی یشوع، یعنی قدمیئیل، بنوی، هودویا.» لاویان که تعدادشان به هنگام
بازگشت اندک بود، چندان مشتاق به نظر نمی رسیدند (ر.ک. عز ۸:۱۵). بر اساس کتاب های تثنیه و حزقیال، وظیفه ایشان
چندان قابل ملاحظه نبود (ر.ک. حزق ۴۴:۱۰-۱۴).

a فقط یک گروه از سرایندگان از تبعید بازگشتند. سایر خانواده هایی که در ۱-توا ۱۶:۳۷-۴۱ مورد اشاره قرار گرفته اند،
احتمالاً در طول دوره اسارت در سرزمین یهودا باقی مانده بودند.

آمی. ۵۸: تعداد کل نینیم و پسران بردگان

سلیمان ۳۲

۵۹: و اینان هستند آنانی که از تل ملح،

تل حرشا، کروب، اذان، و امیر^f برآمدند،

و نتوانستند بر اساس خاندان پدری و نژاد

خود، نشان دهند که از اسرائیل می باشند:

۶۰: بنی دلایا، بنی طوییا، بنی نقودا،^a و از

میان کاهنان: بنی حبایا، بنی هقوص، بنی

برزیلای، وی که یکی از دختران برزیلای

۲-سمو: ۱۷: ۲۷-
۴۹
۱۹: ۳۲-۴۰:
۷: ۲-۱

جلعدادی را به زنی گرفته بود، به نام او

نامیده شده بود. ۶۲: این اشخاص اسناد

نسب نامه ای خود را جستجو کردند، اما

آنها را نیافتند. از این رو، همچون افراد

ناپاک، از کهنانت کنار گذاشته شدند،

۶۳: و عالیجناب^g ایشان را از خوردن

چیزهای مقدس منع کرد^h تا زمانی که

کاهنی برای اوریم و تومیمⁱ بر خیزد.

۶۴: کل جماعت ۴۲/۳۶۰ تن^j بودند،

۶۵: بدون احتساب غلامان و کنیزان نشان که

۴۲: دربانان^b: بنی سلوم، بنی اطیر، بنی

طلمون، بنی عقوب، بنی حطیطا، بنی

شوبای، در کل: ۱۳۹.

۴۳: نینیم^c: بنی صیحا، بنی حسوفا، بنی

طباعت، ۴۴: بنی فیروس، بنی سبعا، بنی

فادوم، ۴۵: بنی لبانه، بنی حجابا، بنی

عقوب^d، ۴۶: بنی حاجاب، بنی شلمای، بنی

حانان، ۴۷: بنی جدیل، بنی جحر، بنی رایا،

۴۸: بنی رصین، بنی نقودا، بنی جزام، ۴۹: بنی

عوزا، بنی فاسیح، بنی بیسای، ۵۰: بنی آسته،

بنی معونیان، بنی نفیشسیان، ۵۱: بنی

بقبوق، بنی حقوفا، بنی حررور، ۵۲: بنی

بصلوت، بنی محیدا، بنی حرشا، ۵۳: بنی

برقوس، بنی سیسرا، بنی تامح، ۵۴: بنی

نصیح، بنی حطیفا.

۵۵: پسران بردگان سلیمان^e: بنی سوطای،

بنی هص سوفرت، بنی فرودا، ۵۶: بنی یعله،

بنی درقون، بنی جدیل، ۵۷: بنی شفطیا، بنی

حطیل، بنی فوخرت هاص سیائیم، بنی

b تحت اللفظی: «بنی دربانان» (ر.ک. نج ۴۵:۷). سرایندگان و دربانان تا این زمان، هنوز از لاویان متمایز به شمار می روند.

بعدها، طبق ۱-توا ۶: ۱۶-۳۲، ایشان با لاویان یکی انگاشته خواهند شد.

c این کلمه عبری به معنی «داده شدگان» می باشد. بر اساس سنت، این عده کسانی بودند که «داود و بزرگان برای خدمت لاویان

داده بودند» (ر.ک. عز ۸: ۲۰). در هر صورت، منظور اعقاب بیگانگان است (ر.ک. اسامی ایشان) که بر امور فرعی معبد

گماشته شده بودند، نظیر «بیگانگانی» که در حزق ۴۴: ۷-۹ به آنان اشاره شده است (نیز ر.ک. یوشع ۹: ۲۳-۲۷). تعداد

بسیاری از این بردگان به اورشلیم بازگشتند (۵۸: ۲ و ۸: ۲۰): شاید ایشان با ترک بابل، چیزی از دست نمی دادند.

d ترجمه یونانی (عز ۳: ۵) چنین اضافه می کند: «بنی اوتا، بنی کتاب.»

e «بردگان سلیمان» کارکنان درجه دومی هستند که از «نینیم» متمایز می باشند. شاید ایشان اعقاب کنعانیانی باشند که سلیمان

آنان را برای بنای معبد به کار گرفت (ر.ک. ۱-پاد ۹: ۲۰-۲۱: ۲-توا ۸: ۷-۸).

f این مکان ها احتمالاً در منطقه نیپور در بابل واقع شده بودند. سه نام آخر ممکن است به دو شهر اشاره داشته باشند، یعنی باید

این گونه قرائت شوند: «کروب-اذان و امیر.»

g کلمه «عالیجناب» معادل کلمه ای است که به عبری «ترشاتا» نوشته می شود، اما در اصل واژه ای است پارسی به معنی «آن

کس که مورد تکریم یا ترس قرار دارد» (ر.ک. نج ۷: ۶۵، ۹: ۶۹).

h در خصوص ممنوعیت خوراکیهای مقدس، ر.ک. لاو ۲۲: ۱۰-۱۶.

i در خصوص اوریم و تومیم، ر.ک. خروج ۲۸: ۳۰. از دوره داود به بعد، هیچ شهادت تاریخی دیگری در زمینه کاربرد این رسم

کهن قرعه انداختن در دست نداریم.

j مشخص نیست که این رقم شامل زنان و کودکان نیز می شود یا نه.

برقراری مجدد عبادات

۳ چون ماه هفتم^o فرا رسید - آن هنگام که بنی اسرائیل در شهرهای خود بودند - قوم همچون مردی واحد در اورشلیم گرد آمدند.^۲ [آنگاه] یسوع پسر یوصاداق با برادران خود به پا خاست، و (نیز) زروبابل پسر شألْتیعیل با برادرانش، و ایشان قربانگاه خدای اسرائیل را بنا کردند تا بر آن، قربانی های سوختنی تقدیم کنند، مطابق آنچه در شریعت موسی^p، مرد خدا، نوشته شده است.^۳ قربانگاه را بار دیگر بر مکانش^q برقرار داشتند - زیرا ایشان به سبب قوم های سرزمینها^s در ترس بودند^t - و در آنجا قربانی های سوختنی به یهوه تقدیم داشتند، قربانی های سوختنی بامدادی و شامگاهی.^۴ عید آلونک ها را

تعدادشان ۷/۳۳۷ تن بود. ایشان ۲۰۰ سراینده مرد و زن^k داشتند. ^{۶۶} تعداد اسبان ایشان ۷۳۶ بود؛ قاطرانشان: ۲۴۵؛ ^{۶۷} شترانشان: ۴۳۵؛ الاغانشان: ۱۶/۷۲۰.^۱ ^{۶۸} رؤسای مختلف [خاندانهای] پدری به هنگام رسیدن به خانه یهوه که در اورشلیم است، هدایای داوطلبانه^m برای خانه یهوه آوردند تا آن را در مکانش بار دیگر برقرار سازند. ^{۶۹} ایشان بر اساس امکانات خود، ۶۱/۰۰۰ درهم طلا، ۵/۰۰۰ منای نقره، و یک صد ردای کهنانتⁿ به خزانه عملیات واریز کردند. ^{۷۰} کاهنان، لایوان، و بخشی از قوم در اورشلیم ساکن شدند؛ سرایندگان، در بانان، تینیم، و همه اسرائیلیان دیگر، در شهرهای خود.

خروج ۲۹:
۳۸-۴۲:
اعد ۲۸:۶-۸

- k اینها سرایندگانی غیر مذهبی بودند که با سرایندگان مذهبی مذکور در آیات ۴۱ و ۷۰ تفاوت دارند.
- l قرائت عبری: «الآغان». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی و چند نسخ خطی عبری. بازگشت تبعیدیون با کاروانهای مختلف و متوالی صورت گرفت. در واقع، کاروانی متشکل از پنجاه هزار مرد نسبتاً غیر محتمل به نظر می رسد و تعداد حیوانات مذکور نیز برای معاش ایشان چندان زیاد نیست.
- m ر. ک. خروج ۲۵:۲-۷؛ ۳۵:۴-۲۹؛ اعد ۷:۱-۹.
- n در ترجمه یونانی (۳-۵:۴۴)، به جای «۶۱/۰۰۰ درهم طلا» مبلغ «۱۰۰۰ منای طلا» ذکر شده است. اشاره به چنین مبلغی به «درهم» که واحد پول یونانی بود، یا حتی به «داریک» که واحد پول داریوش بود، در این دوره زمانی که بلافاصله متعاقب فتوحات کوروش بود، محتمل به نظر نمی رسد.
- o «ماه هفتم» (به نام «تیشری»، برابر با مهرماه ایرانی)، ماه اعیاد بزرگ در اورشلیم است.
- p بازگشتگان از تبعید در مقابل ویرانه های معبد، شتابان دست به بنای قربانگاه قربانی های سوختنی می زنند تا اوامر موسی را به موقع اجرا بگذارند.
- q محل قرارگیری قربانگاه قدیمی برای همگان شناخته شده باقی مانده بود. وانگهی، در طول دوره تبعید، یهودیانی که در اورشلیم باقی مانده بودند، توانسته بودند آیینهای عبادی را بر ویرانه های این قربانگاه برگزار کنند (ر. ک. ار ۵:۴۱).
- r تحت اللفظی: «زیرا (یا هنگامی که) در ترس بر ایشان، از سوی قوم های سرزمینها.» مفهوم این جمله مشخص نیست. روشن نیست یهودیان دقیقاً از چه کسانی می ترسیدند، و اینکه آیا این ترس ریشه در امور سیاسی داشته است. تبعیدیون قدیمی می ترسیدند که اهالی سرزمین واکنشی مشابه با آنچه که در فصل بعدی ذکر شده، نشان دهند. شاید هم مشکلی مذهبی موجب چنین ترسی شده بوده است. ترس تبعیدیون درست از آب در آمد، زیرا دیدند که قربانگاه قدیمی نجس شده و برای عبادت ناپاک است؛ لذا لازم بود آن را از نو بسازند.
- s اصطلاح «قوم های سرزمینها» در اینجا بر مردمانی دلالت دارد (چه یهود و چه غیر یهود) که در طول دوره تبعید در فلسطین باقی مانده بودند و در مقابل آنانی که از بابل بازگشته بودند ایستادند (ر. ک. ۱:۹، ۲، ۱۱؛ ۲:۱۰، ۱۱ و نج ۳۰:۹).

کاهنان، لایوان، و همه آنانی که از اسارت به اورشلیم رسیده بودند، در سال دوم رسیدنشان به خانه خدا در اورشلیم، در ماه دوم^w، دست به کار شدند و لایوان بیست ساله و بالانتر^l را مکلف ساختند^x تا کارهای خانه یهوه را رهبری کنند. ^۹ یسوع و پسران و برادرانش، قدمیئیل و پسرانش^z، پسران هودویا، همگی خود را مکلف ساختند تا آنانی را که کارهای خانه خدا را اجرا می کردند، رهبری کنند، و نیز بنی حیناداد، پسران و برادران ایشان که از لایوان بودند. ^{۱۰} هنگامی که بتایان بنیادهای معبد یهوه را گذاردند، کاهنان در جامه های (کاهنی) و با شیپورها، و لایوان (از) بنی آساف، با سنجها^a، حضور یافتند تا یهوه را مطابق دستورالعمل های داود، پادشاه اسرائیل، بستایند. ^{۱۱} ایشان شروع کردند به سرودن و ستودن و تمجید یهوه: «زیرا که او نیکو است؛ ابدی (است)

برگزار کردند، مطابق آنچه که نوشته شده، و روز به روز تعداد قربانی های سوختنی ای را که برای هر روز مقرر شده بود، [تقدیم کردند]: ^۵ پس از آن، قربانی سوختنی دائمی را تقدیم کردند، قربانی های سوختنی ماههای نو^t و تمام اعیاد بزرگی که برای یهوه تقدیس شده بود^u، و قربانی های سوختنی اشخاصی که هدیه ای داوطلبانه برای یهوه می آوردند. ^۶ از روز اول ماه هفتم، شروع به تقدیم قربانی های سوختنی به یهوه کردند، در آن حال که بنیادهای معبد یهوه هنوز گذارده نشده بود^v. ^۷ به سنگتراشان و نجاران نقره دادند، و نیز توشه، نوشیدنی، و روغن به صیدونیان و صوریان تا از لبنان، از راه دریا، چوب سدر به یافا بیاورند، مطابق مجوزی که کوروش، پادشاه پارس، اعطا کرده بود. ^۸ زروبابل پسر شألتمیئیل، و یسوع پسر یوصاداق، به همراه بقیه برادران خود،

خروج ۲۳:۱۶؛
لاویان ۲۴:۲۳؛
تث ۱۶:۱۳

اعد ۲۸:۳-۸

۱-توا ۲۲:۴-۵؛
۲-توا ۸:۲ تا
۱۰:۱۶؛
۱-پا ۵

t در ترجمه یونانی (۳-عز ۵:۵)، پیش از عبارت «ماههای نو»، این عبارت اضافه شده است: «قربانی های سوختنی برای سبت.»

u نگارنده «تواریخ» به کمک این توضیحات، می کوشد بر غیرت تبعیدیون برای امور عبادی تأکید بگذارد. ایشان از همان آغاز، همه دستورالعمل های آیینی را رعایت می کنند.

v لازم است اقدام شیشبصر را که در ۵:۱۶ به آن اشاره شده، از اقدامات یسوع و زروبابل متمایز ساخت. کار شیشبصر قاعدتاً این بود که ویرانه های معبد قدیمی را پاکسازی کند و زمین را تسطیح نماید. او قادر نشد کاری بیش از این انجام دهد. سپس یسوع و زروبابل نخستین عناصر بنیانهای معبد دوم را پی ریختند.

w یعنی در ماههای آوریل-مه (اردیبهشت ماه ایرانی) از سال ۵۳۷ ق.م. ترجمه یونانی چنین تصریح کرده: «در روز اول از ماه دوم.»

x این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «شروع کردند به کار گماردن لایوان بیست ساله...»

y وظیفه مهمی به لایوان بیست ساله و بالانتر سپرده می شود. اما در اعد ۴:۳ و ۸:۲۴، حد اقل سن، ۲۵ سال تعیین شده است. این امر (یعنی پایین آوردن سن شرعی) یا به علت تعداد اندک لایوان به هنگام بازگشت از تبعید بوده (جمعاً ۷۴ تن)، یا صرفاً به این علت که جماعت تبعیدیون جوان بوده و از مشتاقانی تشکیل یافته که سختیهای بازگشت به وطن را بر آسایش و امنیت باقی ماندن در بابل ترجیح داده اند.

z قرائت عبری: «قدمیئیل و پسرانش، بنی یهودا، همگی با هم.» همچنین ر.ک. توضیح ۴۰:۲.

a بر خلاف ۲:۴۱، سراینندگان از بنی آساف، در اینجا با لایوان یکی انگاشته شده اند. شیپور آلت موسیقی خاص کاهنان بود (۱-توا ۱۵:۲۴)، و قانون و چنگ و سنج آلات موسیقی خاص لایوان (۱-توا ۲۵:۱، ۶).

بودند معبدی برای یهوه، خدای اسرائیل، بنا می‌کنند،^۲ بسوی زروبابل، یسوع^۳، و رؤسای [خاندانهای] پدری جلو آمدند و به ایشان گفتند: «می‌خواهیم همراه شما بنا کنیم؛ زیرا ما همچون شما، خدای شما را می‌طلبیم^f و از روزگار آسرحدون، پادشاه آشور که ما را به اینجا بر آورد^h، برای او قربانی می‌کنیم^g». «زروبابل، یسوع، و سایر رؤسای [خاندانهای] پدری اسرائیل به ایشان گفتند: «بر شما و بر ما نیست تا خانه‌ای برای خدای ما بنا کنیم: تنها ما هستیم که برای یهوه، خدای اسرائیل، بنا خواهیم کرد، آن سان که کورش، پادشاه پارس، آن را به ما امر کرده است.»^۴ آنگاه مردمان سرزمین شروع کردند به دلسرد ساختن قوم یهودا و هراسان نمودن ایشان، تا ایشان را از بنا کردن [باز دارند]؛^۵ بر علیه آنان مشاورانی اجیر کردند تا طرح

وفاداری او برای اسرائیل^b! و تمام قوم هلهله‌های عظیم^c سردادند و یهوه را می‌ستودند، زیرا بنیادهای خانه یهوه را می‌گذاشتند.^{۱۲} بسیاری از کاهنان و لاویان، و بزرگان [خاندانهای] پدری که کهنسال بودند^d و خانه نخستین را دیده بودند، در حینی^{۳:۲} که در مقابل چشمانشان بنیادهای آن را می‌گذاشتند، با صدای بلند می‌گریستند، اما بسیاری دیگر صدای خود را با هلهله‌های شادمانی بلند می‌کردند.^{۱۳} و هیچ کس نمی‌توانست صدای هلهله‌های شادی را از صدای گریه قوم تشخیص دهد، چرا که قوم هلهله‌های عظیم سر داده بودند که صدایش از دور شنیده می‌شد.

کارشکنی دشمنان یهودا

^۴ چون مخالفان یهودا و بنیامین آگاه شدند که آنانی که تبعید شده

b این فرمولی است برای سرودهای مذهبی مبتنی بر نوشته‌های مقدس که از دیدگاه نگارنده «تواریخ» مورد استفاده سرایندگان بوده است (ر.ک. ۱-توا ۱۶:۳۴-۲-توا ۵:۱۳ و ۳:۷).

c تحت اللفظی: «هلهله عظیم»؛ در آیات بعدی نیز همین نکته صدق می‌کند. کلمه «هلهله» در اینجا بر فریادی مربوط به آیین نیایش دلالت دارد (ر.ک. مز ۴۷:۶) که به طور خاص، در روز اول ماه هفتم مورد استفاده قرار می‌گرفته است (ر.ک. لاو ۲۳:۲۴ و اعد ۲۹:۱).

d چندین نسخه خطی چنین قرائت می‌کنند: «بسیاری از... بزرگان خانواده و مشایخ».

e نام «یسوع» در قرائت یونانی اضافه شده است؛ ر.ک. آیه ۳.

f اصطلاح «طلبیدن خدا» در کتاب مقدس به معنی تکریم نمودن خدا و دعا به حضور او است، خصوصاً در معبد؛ این اصطلاح را نگارنده «تواریخ» مکرراً به کار برده است (۱-توا ۱۹:۲۲-۲-توا ۱۷:۴؛ ۳۱:۲۱ و غیره).

g این عبارت منطبق است با متنی که در ترجمه‌های قدیمی و نیز در متن عبری طبق سنت شفاهی حفظ شده است. اما متن «نوشته شده» عبری چنین قرائت می‌کند: «برای او قربانی نمی‌کنیم»، و به این ترتیب، حتی امکان این که بت پرستان به عبادت خدای واقعی بپردازند، منتفی می‌گردد.

h دشمنان یهودا در آیه ۴ «مردمان سرزمین» خوانده شده‌اند، اما قرائت تحت اللفظی آن «قوم‌های سرزمینها» می‌باشد که بر اعقاب بت پرستانی دلالت دارد که به دست پادشاهان آشور، مانند آسرحدون (۶۸۱-۶۶۹ ق.م)، به سرزمین فلسطین تبعید شده بودند. این مهاجران در کنار بت‌های قدیمی خود، عبادت یهوه را نیز در پیش گرفته بودند (ر.ک. ۲-پاد ۱۷:۲۴-۴۱). مذهب اختلاطی آنان خطری بود برای قوم وفادار به خدا. زروبابل از سازشکاری با آنان سر باز خواهد زد (نیز ر.ک. توضیح ۳:۳).

i حجتی نبی علت تأخیر در کارهای ساختمانی را بی تفاوتی قوم معرفی می‌کند (حجی ۱:۲-۹)، اما نگارنده «تواریخ» آن را به کارشکنی دشمنان یهودا نسبت می‌دهد. مسائل اقتصادی و بینوایی نیز موانع دیگری بر سر راه طرح‌های ساختمانی بودند.

فرمانده کل، و شمشایی دبیر، و سایر همکاران ایشان، داوران و سفیران، کارمندان پارسی^p، مردمان ارک و بابل و شوش^q - یعنی ایلامیان^{۱۰} - و سایر قوم‌هایی که آسنفَر^r بزرگ و نامی تبعید کرده و در شهرهای سامره و در بقیه مناطق غرب فرات^s استقرار داده، و غیره.^{۱۱} این است رونوشت نامه‌ای که برای او فرستادند: «به اردشیر پادشاه، خدمتگزاران، مردمان مناطق غرب رود فرات^t، و غیره.^{۱۲} بادا که به آگاهی پادشاه برسد که یهودیانی که از نزد تو بسوی ما بر آمده‌اند، به اورشلیم آمده‌اند^u؛ ایشان در حال بازسازی شهر طغیان‌گر و شرور هستند؛ حصارها را مرمت می‌نمایند و بنیادها را تعمیر می‌کنند^v.^{۱۳} پس بادا که

ایشان را با شکست مواجه سازند، در طول تمام عمر کورش، پادشاه پارس، و تا سلطنت داریوش، پادشاه پارس^l.

مبادله مکاتبات در دوره خشایارشا و اردشیر

در دوره سلطنت خشایارشا، به هنگام آغاز سلطنت او، ایشان اتهامی بر علیه ساکنان یهودا و اورشلیم نوشتند^k.^۷ و در روزگار اردشیر، بشلام، میترداد، طیبیل، و سایر همکاران ایشان به اردشیر، پادشاه پارس، نوشتند: متن سند به آرامی نوشته و ترجمه شده بود. (آرامی).^۱

^mرحوم، فرمانده کل، و شمشایی دبیر، نامه‌ای به این مضمون بر علیه اورشلیم به اردشیر پادشاه نوشتندⁿ: «رحوم^o،

ج یعنی از ۵۳۷ تا ۵۲۲ ق.م.؛ عملیات ساختمانی تنها در سال ۵۲۰ ق.م.، یعنی سال دوم داریوش (۵۲۲-۴۸۶ ق.م.) از سر گرفته خواهد شد. آیه ۲۴ را باید بلافاصله بعد از آیه ۵ قرائت کرد.

k آیات ۶-۲۳ که در این قسمت گنجانده شده، مربوط می‌شود به کارشکنی مردمان سامره در دوره‌ای که بعد از عصر داریوش واقع شده، یعنی در عصر خشایارشا (۴۸۶-۴۶۴ ق.م.) و اردشیر اول (۴۶۴-۴۲۴ ق.م.). مطالب مذکور در این آیات، در باره بازسازی شهر و حصارهای آن است (ر.ک. آیه ۱۲)، و نه در باره بازسازی معبد.

l تحت اللفظی: «نوشته شده به آرامی و ترجمه شده به آرامی». درک معنی دقیق این عبارت دشوار است. قرائت یونانی کلمه آخر (یعنی «آرامی» دوم) را حذف کرده است. این کلمه ممکن است به منزله یک پراکنش باشد که تبدیل زبان متن از عبری به آرامی در آیه بعدی را خاطر نشان می‌سازد؛ ما در ترجمه خود همین احتمال را مد نظر قرار داده‌ایم. موردی مشابه را در ابتدای بخش آرامی کتاب دانیال مشاهده می‌کنیم (دان ۴:۲).

m متن عزرا از ۸:۴ تا ۱۸:۶ به زبان آرامی است.

n «رحوم»، فرمانده کل یا فرماندار سامره (ر.ک. آیه ۱۷)، اقدام جدیدی بر علیه اورشلیم انجام می‌دهد. او حق این کار را داشت، زیرا ایالت سامره در آن زمان شامل منطقه یهودا نیز می‌شده است.

o تحت اللفظی: «آنگاه رحوم، فرمانده کل...»: در قرائت یونانی، کلمه «آنگاه» حذف شده، زیرا چنین کلمه‌ای در آغاز یک نامه جایی ندارد.

p پاره‌ای از صاحب نظران این چهار عنوان (یعنی «داوران، سفیران، کارمندان پارسی») را نام منطقه تلقی کرده، چنین می‌آورند: «مردمان دین، آفرستک، طرفل، و آفرس».

q برخی چنین استنباط می‌کنند: «مردمان ارک، بابل، شوش، دها، ایلام»؛ اما ترجمه ما محتمل تر است.

r احتمالاً منظور «آشوربا نیپال» (۶۶۸-۶۲۶ ق.م.) می‌باشد.

s تحت اللفظی: «آنسوی نهر». این نام رسمی ایالتی بود که در غرب رود فرات واقع بوده و شامل سوریه و فلسطین می‌شده است.

t تکرار مقدمه این نامه در آیات ۹ و ۱۱، بیانگر بی‌نظمی موجود در متن کنونی است. احتمالاً باید آیات ۹-۱۰ را توضیحی اضافی تلقی کرد؛ یا اینکه آیه ۱۱ را توضیحی حاشیه‌ای در نظر گرفت.

u بازگشت تبعیدیون هنوز در دوره اردشیر نیز ادامه داشت.

v ترجمه این فعل مبتنی است بر حدس و گمان. برخی این گونه ترجمه می‌کنند: «حصارها را بر می‌افرازند و بنیادها را مورد آزمایش قرار می‌دهند».

غیره.^{۱۸} سندی که برای ما فرستادید، از روی ترجمه آن^b در حضور من خوانده شد.^{۱۹} بر اساس فرمانی که از سوی من داده شد، تحقیقاتی به عمل آوردند و دریافت کردند که این شهر از روزگاران کهن، بر علیه پادشاهان برخاسته، و شورش و فتنه در آن برانگیخته شده است.^c در اورشلیم پادشاهانی نیرومند بوده اند که بر تمام مناطق غرب فرات سلطه می راندند، و به ایشان خراج و مالیات و حق عبور می پرداخته اند.^{۲۰} لذا دستور دهید تا [کار] این مردمان را متوقف سازند تا آنکه فرمان نج:۳ از جانب من داده شود.^{۲۱} مراقب هر گونه غفلتی در این امر باشید، مبادا شرارت برای خسران پادشاهان بزرگ شود.»

^{۲۲} آنگاه به مجرد اینکه رونوشت سند اردشیر پادشاه در حضور رحوم، شمشایی دبیر، و همکاران ایشان خوانده شد، ایشان شتابان به اورشلیم، نزد یهودیان رفتند و [کار] آنان را با خشونت و زور متوقف ساختند.^{۲۳} آن هنگام کار خانه خدا در اورشلیم متوقف گردید و تا سال دوم سلطنت داریوش، پادشاه پارس، متوقف ماند.^d

به آگاهی پادشاه برسد که چنانچه این شهر بازسازی شود و حصارهایش مرمت گردد، نه خراج خواهند پرداخت، نه مالیات، نه حق عبور، و در نهایت [این شهر] موجب خسران پادشاهان خواهد گردید.^{۱۴} اما از آنجا که ما نمک کاخ را می خوریم^w، بر ما روا نیست که ببینیم اهانتی به پادشاه می شود؛ از این رو، این اطلاعات را برای پادشاه می فرستیم،^{۱۵} تا تحقیقاتی در یادنامه پدران^x به عمل آورند. در این یادنامه خواهی یافت و خواهی دانست که این شهر، شهری است طغیان گر که موجب خسران پادشاهان و ایالات می گردد، و در آن از روزگاران کهن فتنه ها برانگیخته اند.^{۱۶} به همین جهت است که این شهر ویران شده است.^z پادشاه را آگاه می سازیم که چنانچه این شهر بازسازی شود و حصارهایش مرمت گردد، به دنبال آن، دیگر ملکی در غرب فرات نخواهی داشت.»

^{۱۷} پادشاه این پاسخ را فرستاد^a: «به رحوم، فرمانده کل، به شمشایی دبیر، و به سایر همکاران ایشان که در سامره و بقیه مناطق غرب فرات ساکن اند، آرامش!

w منظور چنین چیزی است: «از آنجا که ما تابع پادشاه هستیم، همچون فرمانبردارانی که به واسطه پیوند عهد با او پیوند داریم...»: در خصوص عهد نمک، ر.ک. لاو ۲:۱۳.

x منظور گزارشهای قدیمی درباره است (ر.ک. استر ۲:۲۳:۶:۱). منظور از «پدران»، پادشاهان پارس و بابلی است که اردشیر مدعی جانشینی آنان بود.

y در قرائت یونانی، فاعل فعل مشخص شده، چنین آمده است: «در آن، یهودیان از روزگاران...».

z در سال ۵۸۷ ق.م..

a کلمه «پاسخ» که در عبری نیز از واژه ای فارسی استفاده شده، به معنی تصمیم یا دستور شاهانه نیز می باشد (ر.ک. ۷:۵، ۱۱:۶).

b ریشه اصطلاحی که «از روی ترجمه آن» ترجمه کرده ایم، به معنی «جدا ساختن»، «به دقت تشخیص دادن»، یا «روشن ساختن» می باشد (ر.ک. نح ۸:۸). شاید منظور ترجمه پارسی نامه آرامی (آیه ۷) باشد (ما همین احتمال را در ترجمه خود مد نظر قرار داده ایم): شاید هم منظور پادشاه تنها این بوده که نامه را به طور کامل درک کرده است.

c احتمالاً اشاره ای است به طغیان های حزقیای، یهوایقیم، و صدقیای (ر.ک. ۲-۱۸:۷:۲۴:۱ و ۲۰).

d این آیه در باره عملیات بنای معبد سخن می گوید و نه در باره حصار شهر. این مطلب دنباله آیه ۵ می باشد.

بنای خانه خدا

سخن گفتند^۱: «نام مردانی که این بنا را می سازند چیست؟»^۵ اما چشم خدای ایشان بر مشایخ یهودیان^m بود، و [کار] ایشان را متوقف نساختند و منتظر ماندند تا گزارش به داریوش برسد و آنگاه برای ایشان سندی در خصوص این امر بفرستند.
 ۶ رونوشت نامه ای که تتنایی، فرماندار مناطق غرب فرات، شتربوزنای، و همکارانش، سفیرانⁿ مناطق غرب فرات، برای داریوش پادشاه فرستادند.^۷ ایشان برای او گزارشی فرستادند که در آن آنچه که در پی می آید نوشته شده بود: «به داریوش پادشاه، آرامش کامل^o!^۸ بادا که به آگاهی پادشاه برسد که ما به ایالت یهودا^p، به خانه خدای بزرگ^q رفتیم: آن

۵ حَجِّي نَبِي، و زكرياى نبي پسر عدو^f برای یهودیان یهودا^g و اورشلیم به نام خدای اسرائیل [که] بر ایشان [بود] نبوت کردند.^۳ آنگاه زروبابل پسر شألتيئيل^h، و يشوع پسر یوصادق بر خاستند، و شروع کردند^۱ به بنای خانه خدا که در اورشلیم است، و انبیای خدا همراه ایشان بودند و ایشان را حمایت می کردند.
 ۳ در همین زمان، تتنایی، فرماندار مناطق غرب فرات^۲، شتربوزنای، و همکاران ایشان نزد آنان آمدند و بدینسان با ایشان سخن گفتند: «چه کس به شما دستور داده تا این خانه را بنا کنید و این پرستشگاه^k را مرمت نمایید؟»^۴ آنگاه با ایشان اینچنین

حجی: ۱-۱۴-۲۹؛
زک: ۴:۹

e در قرائت یونانی، آخرین کلمات فصل پیشین (یعنی «سال دوم سلطنت داریوش، پادشاه پارس») در آغاز این آیه قرار داده شده است.

f بر اساس زک ۱:۱، زکریا نوه عدو می باشد.

g تحت اللفظی: «یهود»: این عنوان رسمی ایالت یهودا در امپراطوری پارس می باشد.

h شألتيئيل پسر ارشد یهوایکین پادشاه می باشد (ر.ک. ۱-توا ۳:۱۷). لذا زروبابل امید تبار سلطنتی را در دل خود دارد (ر.ک. حجی ۲۳:۲).

i شیشبصر قبل از این بنیاد معبد را گذاشته بود (ر.ک. آیه ۱۵). اما کار با مشکلاتی مواجه شد. برای آغاز عملیات به نحو مطلوب، به تمام نیروی حجی و زکریا نیاز بود.

j به موجب یک سند بابلی متعلق به سال ۵۲۱ ق.م، پس از شورش بابل، شخصی به نام اوشتانی، ساتراپ بابل و غرب رود فرات گردید و معاون او نیز تتنایی نام داشت که «پهای» غرب رود اردن بود («پها» یعنی فرماندار یا مباشر عالی).

k در خصوص ترجمه درست این کلمه اطمینانی حاصل نیست. برخی آن را چوب بستی می دانند که دیوارها را یکپارچه و منسجم نگاه می داشته است.

l تحت اللفظی: «آنگاه به ایشان چنین گفتیم»: ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی. در هر دو صورت، گوینده جمله بعدی، یکی از مقامات پارس بود: نیز ر.ک. آیه ۱۰.

m قرائت یونانی: «بر تبعیدیون یهودا بود».

n مانند ۹:۴، کلمه «سفیران» که در عبری «افرسک» می باشد، می تواند به یک گروه قومی اشاره داشته باشد.

o اصطلاح «آرامش کامل» یا «کامیابی تمام» فرمولی است برای تحیت که معادل «سلام های گرم» امروزی است. قرائت یونانی کلمه «کامل» را به آیه ۸ متصل کرده، چنین آورده: «بادا که به طور کامل به آگاهی پادشاه برسد...»

p ترجمه یونانی (۳-عز ۶:۸) چنین می افزاید: «چون به ناحیه یهودا رفتیم و به شهر اورشلیم آمدیم، مشاهده کردیم که مشایخ تبعیدیون یهود در حال بازسازی خانه ای بزرگ برای خداوند در اورشلیم می باشند».

q این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «در خانه بزرگ خدا».

خانه از سنگهای تراش^r ساخته می شود، و ۴:۶ چوب در دیوارها کار گذاشته می شود؛ این کار با دقت انجام می گیرد و به خوبی در دستان ایشان صورت می پذیرد^s. ۹ آنگاه از این مشایخ^t سؤال کردیم؛ اینچنین با ایشان سخن گفتیم: چه کس به شما دستور داده تا این خانه را بنا کنید و این پرستشگاه را مرمت نمایید؟^{۱۰} همچنین اسامی ایشان را پرسیدیم تا تو را آگاه سازیم و اسامی مردانی را که در رأس ایشان هستند به نوشته در آوریم. ۱۱ و این است پاسخی که به ما دادند: ما خدمتگزاران خدای آسمان و زمین^u هستیم، و خانه ای را که سالها پیش در گذشته بنا شده بود بازسازی می کنیم؛ پادشاهی بزرگ در اسرائیل آن را بنا کرده و به پایان رسانده بود^v. ۱۲ اما پس از آنکه پدران ما خدای آسمان را به خشم آوردند، او ایشان را به دستان

نیوکدنصر کلدانی، پادشاه بابل، سپرد و او^w این خانه را ویران ساخت و قوم را به بابل تبعید کرد^x. ۱۳ اما در سال اول کورش، پادشاه بابل، کورش پادشاه دستور داد تا این خانه خدا بازسازی شود^y. ۱۴ به علاوه، اشیاء طلا و نقره خانه خدا را که نیوکدنصر از معبد اورشلم بر داشته بود دان^{۲۳،۲:۵} و به معبد بابل^z برده بود، کورش پادشاه آنها را از معبد بابل برداشت، و آنها را به شخصی به نام شیشبصر سپردند که او را فرماندار ساخته بود. ۱۵ به او گفت: این اشیاء را بردار و آنها را در معبد اورشلم قرار بده، و باشد که خانه خدا در مکان خود بازسازی شود^a. ۱۶ آنگاه این شیشبصر آمد و بنیادهای خانه خدا را که در اورشلم است نهاد^b، و از آن پس تا اکنون در حال ساخته شدن است، اما تمام نشده است^c. ۱۷ پس اکنون چنانچه مورد رضایت

r تحت اللفظی: «سنگهای غلتانندی»؛ اینها سنگهای سنگینی بودند که روی استوانه های چوبی می غلتانند و به جلو حرکت می دادند. قرائت یونانی: «سنگهای مرغوب». ر.ک. ۴:۶.

s این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «این کار با قدرت انجام می شود و به سرعت به موفقیت می رسد».

t اشاره به «این مشایخ» ایجاب می کند که در آیه قبل، متنی قدیمی تر مشابه با قرائت یونانی وجود داشته باشد (ر.ک. توضیح آیه ۸).

u عنوانی که معمولاً نزد یهودیان و پارسیها برای اشاره به خدا به کار می رفت، «خدای آسمانها» بود. افزودن «و زمین» به این عنوان، بر جهانی و فراگیر بودن مذهب خدای واحد تأکید می گذارد.

v منظور سلیمان، بناکننده معبد است.

w فاعل افعال بعدی می تواند پادشاه باشد یا خود خدا.

x ویرانی سال ۵۸۷ ق.م. مجازات الهی به سبب گناهان قوم بود.

y اشاره به فرمان کورش به سال ۵۳۸ ق.م. است.

z احتمالاً منظور معبد مزدوک در بابل است.

a در این آیه ظاهراً تناقضی وجود دارد، زیرا چگونه می توان اشیائی را در معبدی گذاشت که هنوز بازسازی نشده است؟ (قرائت یونانی فاقد عبارت پایانی جمله است، و این امر این تناقض را برطرف می سازد.) اما این احتمال هست که پیش از پایان عملیات بازسازی، پرستشگاهی موقت در این مکان بر پا شده بوده باشد.

b کلمه آرامی که «بنیاد» ترجمه شده، ظاهراً به زمینی مسطح و تسطیح شده اشاره دارد که بر آن می توان بنیادهای واقعی بنا را ساخت. ر.ک. همین کلمه در ۱۲:۴ و ۳:۶؛ در ۶:۳ یادآوری شده که بنیاد هنوز گذاشته نشده بوده است.

c مشایخ تأکید می کردند که مجوز ساختمان که از سوی کورش صادر شده، هنوز معتبر است. ایشان مراقب بودند که سخنی در باره وقفه در عملیات بعد از زمان شیشبصر بر زبان نیاورند، چرا که ممکن بود شرایط را تغییر دهد.

خاطر پادشاه باشد، تحقیقاتی در خانه خزانه‌های^d پادشاه در آنجا، در بابل، به عمل آید تا ببینند که آیا از سوی کورش پادشاه دستور داده شده تا این خانه خدا در اورشلیم بنا گردد. و باشد که پادشاه خواست خود را در خصوص این امر به ما ابلاغ بفرماید.»

آنگاه داریوش پادشاه دستور داد تا در خانه خزانه‌ها، جایی که بایگانی را در بابل^f قرار می‌دادند^e، تحقیقاتی به عمل آورند.^۲ و در اکباتان^g، دژی که در ایالت ماد است، طوماری یافتند که بر آن چنین نوشته شده بود: «یادداشت^h.^۳ در سال اول کورش پادشاه، کورش پادشاه این دستور را داد:

خانه خدا در اورشلیم. خانه همچون مکانی که در آن قربانی‌ها تقدیم می‌کنند^۱ بازسازی خواهد شد، و بنیادهایش برقرار خواهد گردید. ارتفاع آن شصت ذراع، عرض آن شصت ذراع خواهد بود.^k سه ردیف سنگهای تراش و یک ردیف چوب^۱ خواهد بود. هزینه آن از خانه پادشاه تأمین خواهد شد^m.^۵ به علاوه، اشیاء طلا و نقره خانه خدا که نبوکدنصر از معبد اورشلیم بر داشته و به بابل آورده، آنها را پس خواهند داد تا [هر یک] برود و جای خود را در معبد اورشلیم باز گیرد و در خانه خدا قرار داده شودⁿ.^۶ «پس اکنون، ای تثنایی، فرماندار مناطق غرب فرات، شتر-بوزنای، و شما، ای همکاران ایشان، سفیران مناطق غرب

d منظور آن بخش از کاخ سلطنتی است که اشیاء قیمتی و بایگانی پادشاهان نگهداری می‌شد.

f کلمه «بابل» در معنای کلی، احتمالاً بر تمام سرزمین دلالت دارد؛ نیز ر. ک. ۱۷:۵.

e تحت اللفظی: «در خانه کتاب‌های خزانه‌های به امانت گذاشته شده». فرمان کورش به طور مستقیم به خزانه داری مربوط می‌شد؛ ر. ک. ۴:۶.

g تحت اللفظی: «آخمتا»، یعنی اکباتان یا همان هگمتانه. به موجب نوشته‌های گزنفون، کورش زمستان را در بابل، بهار را در شوش، و تابستان را در اکباتان می‌گذراند. لذا فرمان کورش احتمالاً در تابستان سال ۵۳۸ ق. م. صادر شده است.

h تحت اللفظی: «یادگار» یا «یادنامه» که دلالت دارد بر سندی که در بایگانی نگهداری می‌شود.

i این عبارت اشاره دارد به مقصودی که برای آینده این خانه در نظر گرفته شده است. برخی نیز این گونه ترجمه می‌کنند: «خانه در محلی بنا خواهد شد که در آن قربانی‌ها را تقدیم می‌کنند»؛ در چنین ترجمه‌ای، بیشتر محل قرارگیری خانه مد نظر است تا مقصود از آن.

j تحت اللفظی: «و بنیادهایش حفظ شده باشند». این خانه می‌بایست بر روی زمین تسطیح شده معبد قدیمی بنا شود، کاری که به دست شیشبصر انجام شد. برخی چنین ترجمه می‌کنند: «همان جایی که بنیادهایش وجود دارد.»

k طول بنا در متن ذکر نشده؛ ترجمه سریانی عرض بنا را بیست ذراع ذکر کرده است. لذا به نظر می‌رسد که متن فاقد قطعیت است. احتمال دارد که معبد دوم دارای همان ابعاد معبد سلیمان بوده باشد، یعنی شصت ذراع طول، بیست ذراع عرض، و سی ذراع ارتفاع؛ ر. ک. ۱-۶:۲ (نیز ر. ک. جدول اوزان و اندازه‌ها)؛ اما از برخی متون چنین بر می‌آید که معبد دوم کوچکتر از اولی بوده است (حجی ۳:۲؛ عز ۳:۱۲).

l قرائت عبری: «یک ردیف چوب نو.» ترجمه ما مبتنی است بر چندین نسخه خطی و قرائت یونانی که محتمل‌تر به نظر می‌رسند. در خصوص این چوب بندی در اندرون معبد سلیمان، ر. ک. ۱-۶:۳۶ و ۱۲:۷.

m این روش تأمین هزینه از سوی فرمانروایان امپراطوری پارس کاملاً با سیاست مذهبی ایشان سازگار است، زیرا ایشان در مصر و بابل نیز از ساخت بناهای مذهبی حمایت می‌کردند.

n قرائت عبری: «آنها را در خانه خدا قرار خواهی داد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های قدیمی که متن را منطقی‌تر می‌سازد.

پادشاه و پسرانش دعا نمایند^u.^{۱۱} و از سوی من این دستور داده شده برای هر فردی که از این فرمان تخطی کند، که تیری چوبی از خانه اش کنده شود و او را در آنجا بر آن تیر اعدام بیاویزند^v، و باشد که خانه اش به لجن زار تبدیل شود، به سبب این.^{۱۲} «و بادا که خدایی که نام خود را در آنجا ساکن می سازد^w، سرنگون سازد هر پادشاه یا قومی را که دست خود را برای تخطی از [این فرمان] دراز کند تا این خانه خدا را که در اورشلیم است ویران سازد. من، داریوش، این دستور را داده ام. بادا که به دقت اجرا شود!»

^۳ آنگاه تَتَنایی، فرماندار مناطق غرب فرات، شتر-بوزنای، و همکاران ایشان به دقت خود را با آنچه که داریوش پادشاه امر فرموده بود انطباق دادند.^{۱۴} و مشایخ یهودیان بنا می کردند و به خوبی جلو

فرات^o، از آنجا دور شوید^p.^۷ بگذارید فرماندار یهودیان و مشایخ یهودیان بر این خانه خدا کار کنند؛ باشد که این خانه خدا را بر مکانش بازسازی نمایند.^۸ و از سوی من این دستور در خصوص آنچه که شما باید در قبال این مشایخ یهودیان انجام دهید تا این خانه خدا را بنا کنند، داده شده: از اموال پادشاه که از محل خراج مناطق غرب فرات حاصل می گردد^۹، هزینه های این مردمان به دقت پرداخت خواهد شد، و این امر بدون وقفه (صورت خواهد گرفت)^t.^۹ آنچه که برای قربانی های سوختنی خدای آسمان ضروری خواهد بود: گاوهای نر جوان، قوچها و بره ها، گندم، نمک، شراب و روغن، روز به روز به آنان داده خواهد شد، بدون غفلت، مطابق آنچه کاهنان اورشلیم مشخص می سازند^s،^{۱۰} تا قربانی هایی با رایحه ای مطبوع^t به خدای آسمان پیشکش کنند و نزد [او] برای عمر

o این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «مردمان افرسک از مناطق غرب فرات»: ر.ک. توضیح ۶:۵.
p این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «کاری به این نداشته باشید.» اکنون داریوش، به دنبال فرمان کورش، دستورهای خود را می دهد. هر دو فرمان در هم ادغام می شوند: قصد داریوش این است که کار کورش را از سر گیرد.
q یعنی از مالیاتی که در این ایالت جمع آوری می شود.
r یعنی بدون وقفه در پرداخت هزینه ها.
s به نظر می رسد که پارسی ها در جریان رسوم مذهبی یهودیان بوده اند؛ شاید کاتبی یهودی در این امر به ایشان مشورت داده باشد. حیوانات برای قربانی های خونی بودند، گندم و نمک برای هدایا، و روغن برای هدایای ریختنی.
t ر.ک. پید ۸:۲۱.

u دعای یهودیان برای پادشاهان در ار ۷:۲۹؛ ۱-مک ۳۳:۷؛ بار ۱۱:۱ سفارش شده است. ر.ک. ۱-تیمو ۲:۲.
v این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «و چون (تیر چوبی) بر پا شد، او را بر آن بیاویزند.» پارسی ها مانند آشوری ها، افراد را زنده به چوب اعدام می آویختند. طبق نوشته هرودوت، داریوش سه هزار بابلی را به هنگام تصرف این شهر به چوب آویخت. به نظر می رسد که یهودیان هیچگاه چنین شکنجه وحشیانه ای را به اجرا در نیاوردند، دست کم برای انسان زنده (ر.ک. تث ۲۲:۲۱؛ یوشع ۱۰:۲۶).

w فرمول «خدایی که نام خود را در آنجا ساکن می سازد» در تث ۱۱:۱۲؛ ۲۳:۱۴ و غیره، و در فصل های اولیه ۱-پاد و ۲-توا مکرراً به کار رفته است. باز در اینجا اثر دست کاتبی یهودی را در نگارش این فرمان مشاهده می کنیم، کاتبی که از کارکنان دربار بوده است.

کاهنان را بر اساس تقسیم بندی ایشان، و لاویان را مطابق طبقاتشان برقرار داشتند.^d

عید گذر

^{۱۹}آنانی که تبعید شده بودند، عید گذر خروج ۱:۱۲ را در چهاردهم ماه اول^f به عمل آوردند. زیرا لاویان همگی با هم خود را طاهر ساخته بودند؛ همگی پاک بودند، و گذر را برای همه تبعیدیون ذبح کردند، برای برادرانشان کاهنان، و برای خودشان^g.^{۲۱} بنی اسرائیل که از تبعید بازگشته بودند، [آن را]^h خوردند، و نیز جمیع آنسانی که خود را از ناپاکی ملت های سرزمین جدا ساخته بودندⁱ تا به ایشان پیوندند و یهوه، خدای اسرائیل را بطلبند.^{۲۲} ایشان عید فطیر^j را به مدت هفت روز با

می رفتند، به یاری نبوت حجی نبی، و زکریا پسر عدو^x. ایشان مطابق دستور خدای اسرائیل و مطابق دستور کورش و داریوش [و اردشیر، پادشاه پارس^y، بنا را به پایان رساندند. ^{۱۵}این خانه را در روز سوم از ماه ادار، و سال ششم سلطنت داریوش پادشاه^a، تمام کردند^z.

^{۱۶} بنی اسرائیل - کاهنان، لاویان، و سایر تبعیدیون - وقف^b این خانه خدا را با شادمانی انجام دادند. ^{۱۷}ایشان برای وقف این خانه خدا، یکصد گاو نر، دویست قوچ، چهارصد بره، و همچون قربانی گناه برای تمام اسرائیل^c، دوازده بز، مطابق تعداد قبیله های اسرائیل، تقدیم کردند. ^{۱۸}ایشان برای خدمت خدا در اورشلیم، مطابق آنچه کتاب موسی نوشته است،

x فعالیت های حجی نبی در حدود سال ۵۲۰ ق.م. صورت گرفته است (حجی ۱:۱)، و فعالیت های زکریا نیز لاقلاً باید تا سال ۵۱۸ ق.م. ادامه یافته باشد (زک ۱:۱ و ۱:۷).

y دوره سلطنت اردشیر (۴۶۴-۴۲۴ ق.م.) بسیار بعد از زمان بازسازی معبد است (۵۲۰-۵۱۵ ق.م.). نگارنده آرامی این سند نام این پادشاه را گنجانده (که شاید هم عصر با او بوده) تا اقدام او را در خصوص حصار شهر و معبد یادآوری کند (ر.ک. نج ۳:۹-۳۱؛ و نیز جایجایی رویدادهای تاریخی در آیات ۴:۶-۲۳).

z تحت اللفظی: «تمام کرد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی.

a یعنی در اسفندماه (ماه ادار) سال ۵۱۵ ق.م.

b ر.ک. «وقف» یا «تقدیس» معبد، ۲-توا ۵:۷. در اینجا منظور عید «وقف» که برگزاری آن در سال ۱۶۵ ق.م. به دست یهودای مکابی آغاز شد، نمی باشد.

c در خصوص قربانی گناه، ر.ک. لاو ۴-۵؛ حزق ۴۰:۳۹؛ ۴۵:۱۹-۲۰ و ۲۳.

d در ۱-توا ۲۳:۶-۲۳ و ۳:۲۴-۳۱، برقراری طبقات کاهنان و لاویان به داود نسبت داده شده؛ در تورات فقط به برقراری نظام کاهنان و لاویان اشاره شده، نه به طبقات و تقسیم بندی های ایشان (ر.ک. خروج ۲۹:۸؛ لاو ۸:۳ و ۸).

e از این آیه به بعد، متن دیگر به زبان آرامی نیست، بلکه بار دیگر به عبری است.

f یعنی ماه نisan؛ در خصوص تاریخ عید گذر، ر.ک. خروج ۱۲:۱-۶ و لاو ۲۳:۵.

g نگارنده «تواریخ» بر نقش لاویان در ذبح بره عید گذر تأکید می گذارد (۲-توا ۱۷:۳۰ و ۱۱:۳۵)، حال آنکه تث ۲:۱۶ و خروج ۲:۱۲ به همه یهودیان اجازه می داد این آیین را به جا بیاورند.

h عبارت «آن را» در متن عبری نیامده و ما آن را بر اساس قرائت یونانی اضافه کرده ایم؛ این عبارت دلالت دارد بر خوردن بره عید گذر.

i اهالی سرزمین که از تبار یهودی بودند و در طول دوره تبعید در فلسطین مانده بودند، می توانستند به تبعیدیون قدیمی ملحق شوند، به این شرط که هرگونه پیوندی را با بت پرستان بگسلند.

j در خصوص عید فطیر، ر.ک. خروج ۱۲:۱۵-۲۰؛ لاو ۲۳:۶-۸؛ ۲-توا ۳۰:۲۱.

او بود، پادشاه هر آنچه را که او درخواست
 می کرد، به او عطا کرد.^۷ (عده ای) از بنی
 اسرائیل، کاهنان، لایوان، سراینندگان،
 دربانان، نتینیم، به اورشلیم برآمدند، در
 سال هفتم اردشیر.^۸ او در ماه پنجم به
 اورشلیم رسید؛ این سال هفتم پادشاه بود.^۹
^۹ در واقع، در [روز] اول از ماه اول^r بود که
 برآمدن خود را از بابل تعیین کرده بود^s، و
 در [روز] اول ماه پنجم بود که به اورشلیم
 رسید، زیرا دست نیکخواه خدایش بر او
 بود.^{۱۰} به واقع، عزرا دل خود را به
 موشکافی^t در شریعت یهوه، به انجام آن، و
 به تعلیم^u قانون و انصاف به اسرائیل
 مشغول ساخته بود.

نامه اردشیر

^{۱۱} و این است رونوشت سندی که
 اردشیر پادشاه به عزرای کاهن-کاتب^v،

شادمانی جشن گرفتند؛ زیرا یهوه ایشان را
 شادمان ساخته بود، زیرا دل پادشاه آشور^k
 را بسوی ایشان برگردانده بود تا در
 کارهای خانه خدا، خدای اسرائیل به یاری
 ایشان بیاید.

عزرای کاتب

^۱ پس از این رویدادها^l، در دوره
 سلطنت اردشیر، پادشاه پارس،
 عزرا^m پسر سرایا، پسر عزریا، پسر
 حلقیاⁿ،^۲ پسر شلوم، پسر صادوق، پسر
 اخیطوب،^۳ پسر امریا، پسر عزریا، پسر
 مریوت،^۴ پسر زرحیا، پسر عوزی، پسر
 بوقی،^۵ پسر ابیشوع، پسر فینحاس، پسر
 العازار، پسر هارون کاهن اعظم^o،^۶ این
 عزرا از بابل برآمد. او کاهنی بود آگاه در
 شریعت موسی^p که یهوه، خدای اسرائیل،
 داده بود. از آنجا که دست یهوه، خدایش بر

^k منظور کماکان داریوش، پادشاه پارس است. مملکت آشور از مدت ها پیش منقرض شده بود، و کلمه «آشور» در اینجا بر تمام
 بین النهرین دلالت دارد.

^l در فصل های ۷-۹، ماجراهای عزرا با استفاده از گزیده هایی از خاطرات وی بازگو شده است؛ در آیه ۲۸، و در دو فصل بعدی،
 اغلب از ضمیر اول شخص مفرد استفاده شده است. بخش دیگری از این ماجرا در نح ۸ یافت می شود.

^m نام «عزرا» به لحاظ ریشه شناسی یعنی «خداوند یاری می کند»، یا «کسی که خداوند یاری اش می دهد»: اشخاص دیگری نیز
 همین نام را داشته اند (ر.ک. نح ۱:۱۲، ۱۳، ۳۳).

ⁿ قرائت یونانی در اینجا فعلی آورده، اما طبق قرائت عبری باید تا آیه ۶ منتظر کاربرد فعل ماند.

^o تحت اللفظی: «کاهنی (که) سر (است)»: همین اصطلاح در ۲-توا ۳۱:۱۰ به کار رفته است. وقتی آیات ۱-۵ را با نسب نامه
 ۱-توا ۵:۲۹-۴۱ مقایسه می کنیم، می بینیم که در ۱-توا ۵:۴۱، یهوصاداق پسر سرایا است، اما در عز ۷:۱، خود عزرا پسر او
 است. شاید این نسب نامه توضیحی حاشیه ای باشد به منظور اثبات کاهن بودن عزرا در تبار کهنانی هارون.

^p عزرا که از کارکنان بلندپایه دربار پارس بود (آیه ۱۴)، کاتبی ماهر برای نوشتن شریعت بود و دانشی عمیق از کتب مقدسه
 داشت و برای تعلیم دادن بسیار غیور بود (آیه ۱۰).

^q در خصوص ترتیب زمانی رویدادهای عزرا و نحمیا، ر.ک. «مقدمه».

^r یعنی ماه نو نپسان (فروردین ماه ایرانی).

^s تحت اللفظی: «او تعیین کردن برآمدن از بابل»: ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

^t یعنی مطالعه عمیق به منظور درک معنی کامل کتب مقدس؛ ر.ک. ۱-توا ۲۸:۸، و شاید مز ۱۱۹:۴۵ و ۱۵۵:۱۵۵ در عهدجدید، یو
 ۵:۳۹:۷:۵۲:۱-۱ پطر ۱:۱۱.

^u ترجمه احتمالی دیگر: «تعلیم فعالانه».

^v همین اصطلاح در نح ۸:۹ و ۲۶:۱۲ به کار رفته است.

گاوان نر، قوچها، بره‌ها، و نیز هدایای آردی و ریختنی آنها را بخری، و آنها را بر قربانگاه خانه خدایتان که در اورشلیم است تقدیم خواهی کرد.^{۱۸} و آنچه که مورد پسند تو باشد- تو و برادرانت- که با بقیه نقره و طلا بکنید، آن را مطابق خواست خدایتان انجام خواهید داد.^{۱۹} در خصوص اشیائی ۲۷-۲۵:۸ که برای خدمت خانه خدایتان به تو داده شده، آنها را در حضور خدای اورشلیم قرار بده. ^{۲۰} و آنچه که باز برای خانه خدایت لازم است و بر عهده‌ات می‌باشد که تهیه کنی، آن را به هزینه خزانه سلطنتی تهیه خواهی کرد.^{۲۱} و از جانب من، اردشیر پادشاه، به تمامی خزانه داران مناطق غرب فرات دستور داده شده: هر آنچه که عزرای کاهن، کاتب شریعت خدای آسمان، از شما بخواهد، بادا که به دقت انجام شود^d، تا میزان یکصد وزنه نقره، یکصد کُر گندم، یکصد بت شراب، یکصد بت روغن، و نمک به دلخواه^e. ^{۲۳} باشد که هر آنچه

کاتب سخنان احکام یهوه^w و فرایض او در خصوص اسرائیل، داد: ^{۱۲} اردشیر^x، شاه شاهان، به عزرای کاهن، کاتب شریعت خدای آسمان، [آرامش] کامل^y! و غیره. ^{۱۳} از جانب من دستور داده شد تا همه آنانی از قوم اسرائیل، کاهنان و لاویانش در مملکت من، که داوطلبانه مایل به رفتن به اورشلیم هستند، با تو بروند، ^{۱۴} زیرا تو از سوی پادشاه و هفت مشاورش^z فرستاده شده‌ای تا یهودا و اورشلیم را بر اساس شریعت خدایت که در دست تو است، بازرسی کنی^a، ^{۱۵} و نقره و طلایی را که پادشاه و مشاورانش داوطلبانه به خدای اسرائیل که مسکنش در اورشلیم است تقدیم کرده‌اند ببری، ^{۱۶} و نیز تمام نقره و طلایی را که در تمام ایالت بابل خواهی یافت، با هدایایی که قوم و کاهنان داوطلبانه برای خانه خدایشان که در اورشلیم است تقدیم خواهند داشت^b. ^{۱۷} در نتیجه، توجه داشته باش که با این نقره،

w قرائت یونانی: «کاهن-کاتب کتاب سخنان.»

x آیات ۱۲-۲۶ به زبان آرامی است. نامه اردشیر در واقع شامل دو دستور شاهانه است، یکی خطاب به عزرا، و دیگری به خزانه داران (آیات ۲۱-۲۴). این سند به دست کاتبی نوشته شده که به خوبی در جریان امور یهودیان قرار داشته است (آیات ۱۷ و ۲۴).

y در متن عبری، کلمه «آرامش» نیامده است و ما آن را بر اساس ترجمه‌های یونانی (۳-۸:۹) و سریانی در متن گنج‌انده‌ایم که آورده‌اند: «آرامش» یا «نجات». شاید این فرمولی باشد مشابه فرمول مذکور در ۷:۵: «آرامش کامل». عبارت بعدی، یعنی «و غیره» را می‌توان «و اما بعد» نیز ترجمه کرد.

z ر.ک. استر ۱:۱۴ و نوشته گزنوفون (آناباس ۴:۵۶ به بعد).

a عزرا مأموریتی رسمی دریافت می‌کند تا بررسی کند که آیا موقعیت سیاسی-مذهبی اسرائیل با آنچه که در احکام موسی آمده مطابقت دارد یا نه.

b علاوه بر هدایایی که یهودیان مستقر در بابل می‌دهند، عزرا می‌تواند از بت پرستان درخواست هدیه کند؛ کمکهای دربار را نیز باید به این افزود (آیه ۱۵). این کمک تقدی و استثنایی، این تصور را ایجاد می‌کند که فرمان داریوش دیگر در آن زمان اجرا نمی‌شده است (ر.ک. ۹:۶-۱۰).

c مازاد نقره مطابق تصریحات شریعت هزینه خواهد شد.

d این سند رسمی حاوی رونوشت دستور پرداختی است خطاب به خزانه داران سلطنتی.

e ر.ک. جدول اوزان و اندازه‌ها.

دستور خدای آسمان است با دقت بسیار برای خانه خدای آسمان انجام شود، تا غضبش بر علیه مملکت پادشاه و پسرانش وارد نگردد.^f ۲۴ و همچنین به اطلاع شما می‌رسانیم که از همه کاهنان، لایوان، سرایندگان، دربانان، نتینیم، به طور خلاصه، خدمتگزاران^g این خانه خدا، مجاز نیست که نه خراجی گرفته شود، نه مالیاتی، و نه حق عبوری^h. ۲۵ و تو، عزرا، با حکمت خدایت که در دست تو استⁱ، داوران و قضاتی برقرار دار تا عدالت را در میان تمامی قوم مناطق غرب فرات برقرار سازند، در میان جمله آنان که از شریعت خدایت آگاهند؛ و آنان را که از آن آگاه نیستند، آگاهی خواهید داد.^j ۲۶ و هر آن کس که شریعت خدایت و قانون پادشاه را رعایت نکند، باشد که به سختی مجازات شود^k: مرگ، تبعید^l، جریمه یا حبس^m.»

همراهان عزرا

اینک بزرگان [خاندانهای] پدری، به همراه نسب نامه ایشان، که در دروه سلطنت اردشیر، با من از بابل بر آمدند^p: از بنی فینحاس: جرشوم؛ از بنی ایتامار: دانیال^q؛ از بنی داود: حطوش،^۳ بنی شکنیا؛ از بنی فرعوش: زکریا که با وی به لحاظ نسب نامه‌ای، صد و پنجاه

f تحت اللفظی: «غضب (خدا) بر مملکت نباشد.»

g این اصطلاح تنها یک بار در عزرا و نحمیا به کار رفته، اما آن را بارها در کتاب دانیال می‌یابیم (دان ۳:۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۸؛ ۶:۲۱؛ ۷:۱۴، ۲۷).

h در آن زمان، چنین معاقبتی از مالیات‌ها رسمی متداول در مملکت پارس بود.

i این اشاره‌ای است به شریعت موسی (ر.ک. آیه ۶)، یا شریعت خدا (آیات ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۵، ۲۶).

j در ترجمه‌های یونانی (عز ۳:۸-۲۳) و سریانی، به جای «آگاهی خواهید داد» آمده: «تو (یعنی عزرا) آگاهی خواهی داد»

k این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «باشد که مجازات دقیق در مورد او اجرا شود.»

l در مورد معنی دقیق این کلمه اطمینانی حاصل نیست؛ ممکن است «اخراج از جامعه» نیز معنی بدهد (در قرائت یونانی به معنی تأدیب به کار رفته است).

m حبس بر اساس تصمیم دادگاه، تنها بعد از دوره تبعید، و بر اساس تأثیرپذیری از بیگانگان، در فلسطین مرسوم شد.

n متن بار دیگر به زبان عبری نوشته شده است؛ عزرا از خود با ضمیر اول شخص مفرد سخن می‌گوید. خاطرات عزرا با ستایش خدا آغاز می‌شود.

o عمل الهی حتی نزد پادشاهان بت پرست نیز متجلی می‌شود (ر.ک. ۱:۱-۲).

p کاروان عزرا شامل حدود هزار و پانصد تن می‌شد. فهرستی که در این فصل آمده، ابتدا از دو رئیس خاندانهای کهنانی نام می‌برد؛ سپس از نماینده‌ای از خاندان داود؛ و بعد، در آیات ۳-۱۴، از دوازده یهودی که نماینده تمام اسرائیل بودند. این نامها را باید با فهرست افراد مذکور در ۲:۳۱-۳۰؛ ۱۰:۲۵-۴۴؛ نوح ۷:۸-۶۳ و ۱۰:۱۵-۲۸ مقایسه کرد.

q خاندان کهنانی فینحاس، خاندان عزرا نیز هست (ر.ک. ۵:۷). ایتامار از اعقاب ایباتار است که به دست سلیمان از کهنانت عزل شد (ر.ک. ۱-۲:۲۶). اما در عز ۲، کاهنان هنوز به تبار صادق، شاخه رقیب، تعلق داشتند که از اعقاب هارون بودند و کم‌کم نفوذ خود را باز می‌یافتند (ر.ک. ۱-۲:۲۴).

سفر عزرا به اورشلیم

ایشان را در کنار رودی که بسوی اهوا^{۱۵} می رود گرد آوردم و در آنجا سه روز اردو زدیم^x. من افراد غیر کاهن و کاهنان را مورد شناسایی قرار دادم، اما در آنجا هیچیک از بنی لاوی را نیافتم.^{۱۶} آنگاه الیعزر، اریئیل، شمعیاء، الناتان، یاریب، الناتان، ناتان، زکریا و مشولام، (یعنی) بزرگان را احضار کردم، و نیز یویاریب و الناتان را که مردانی هوشمند^{۱۷} بودند؛ به ایشان در خصوص عدو که در مکان کاسفیا رئیس بود، دستورالعمل هایی دادم، و سخنانی را که می بایست به عدو و برادرانش که در مکان کاسفیا مستقر بودند^z بگویند، در دهان ایشان گذاشتم تا برای خانه خدایمان خدمتگزارانی برای ما بیاورند.^{۱۸} و از آنجا که دست نیکخواه خدایمان بر ما بود، ایشان مردی دانشمند از بنی محلی، پسر لاوی، پسر اسرائیل را آوردند، (یعنی) شربیا با پسرانش و برادرانش: هجده نفر؛^{۱۹} علاوه بر حشبیاء،

ذکور ثبت نام شدند^t؛^۴ از بنی فحت - موآب: الیهوعینای پسر زرحیا، و با وی دوپست ذکور؛^۵ از بنی زتو^s: شکنیا پسر یحزبیئیل، و با وی سیصد ذکور؛^۶ و از بنی عادین: عابد پسر یوناتان، و با وی پنجاه ذکور؛^۷ و از بنی ایلام: یسعیا پسر عتلیا، و با وی هفتاد ذکور؛^۸ و از بنی شفتیا: زبدیا پسر میکائیل، و با وی هشتاد ذکور؛^۹ از بنی یوآب: عوبدیا پسر یحییئیل، و با وی دوپست و هجده ذکور؛^{۱۰} و از بنی بانئ^t: شلومیت پسر یوسفیا، و با وی صد و شصت ذکور؛^{۱۱} و از بنی بابای: زکریا پسر بابای، و با وی بیست و هشت ذکور؛^{۱۲} و از بنی عزجد: یوحانان پسر هفئاتان، و با وی صد و ده ذکور؛^{۱۳} و از بنی ادونیقام: فرزندان کوچک که نامهایشان این است: الیفلط، یعیئیل و شمعیاء^{۱۴}، و با ایشان شصت ذکور؛^{۱۴} و از بنی بعوای: عوتای پسر زکور^v، و با وی هفتاد ذکور.

t یعنی «مرد».

s این نام در متن عبری ذکر نشده است؛ ترجمه ما مبتنی بر قرائت یونانی است (ر.ک. ۸:۲؛ نج ۷:۱۳).

t این نام در متن عبری ذکر نشده است؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی (ر.ک. ۱۰:۲؛ نج ۷:۱۵).

u در اینجا، به جای یک نام، یعنی نام رئیس خانواده، سه نام ذکر شده که با کلمه نسبتاً مبهم «کوچکان» (یعنی فرزندان کوچکتر؛ شاید هم بتوان «آخرین ها» ترجمه کرد) مورد اشاره قرار گرفته اند.

v قرائت عبری: «زبود»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

w کلمه «اهوا»، هم به یک منطقه در بابل اشاره دارد (که ناشناخته است)، و هم به یک رود، یا به عبارت دقیق تر، به یک کانال آبیاری (ر.ک. آیات ۲۱ و ۳۱).

x مطابق ۷:۹، حرکت از بابل در نخستین روز ماه اول تعیین شده است؛ روز دوازدهم این ماه، حرکت از اهوا رخ داد (ر.ک. ۸:۳۱). تجمع کاروان می بایست در روزهای نخست انجام شده باشد؛ سپس، در نزدیکی کانال، به مدت سه روز (یعنی چند روز، ر.ک. ۸:۳۲ و نج ۲:۱۱) به سازماندهی خود پرداختند؛ و سرانجام، چند روز نیز لازم بود تا لایوان را بیابند که تعدادشان کم بود (ر.ک. توضیح ۲:۴۰). ترتیب دقیق وقوع رویدادها مشخص نیست.

y برخی ترجمه می کنند: «معلم»، یعنی کسانی که شریعت را تعلیم می دادند.

z تحت اللفظی: «به عدو، برادرش، تنبیمی که در مکان کاسفیا مستقر بودند».

خانه خدایمان بود و پادشاه، مشاورانش، بزرگان^f، و جمیع اسرائیلیانی که در آنجا بودند پیش برداشت^e کرده بودند. ^{۲۶}ششصد و پنجاه وزنه نقره، اشیائی از نقره به مقدار صد وزنه^g، (و صد وزنه نقره وزن کردم [و] به دستان ایشان [تحويل دادم])^{۲۷}، (و) بیست کاسه از طلا به ارزش هزار داریک^h و دو ظرف از مفرغ زیبای طلائیⁱ که به اندازه طلا بارزش بود. ^{۲۸}به ایشان گفتم: «شما برای یهوه تقدیس شده اید؛ و این اشیاء تقدیس شده اند؛ و این نقره و این طلا هدیه ای داوطلبانه برای یهوه، خدای پدرانتان می باشد. ^{۲۹}در نگهداری از آنها مراقبت کنید، تا زمانی که آنها را در حضور رؤسای کاهنان و لاویان و بزرگان [خاندانهای] پدري اسرائیل در اورشلیم وزن کنید، در اتاقهای خانه یهوه^j.» ^{۳۰}و کاهنان و لاویان نقره، طلا، و اشیائی را که اینچنین وزن شده بود دریافت داشتند تا آنها را به اورشلیم، به خانه خدایمان ببرند. ^{۳۱}دوازدهم ماه اول از رود اهوآ روانه شدیم

و با وی برادرش یسعیا^a، از بنی مراری، و نیز پسرانشان: بیست نفر؛ ^{۲۰}و در میان نتینیم که داود و بزرگان برای خدمت لاویان داده بودند: دویست و بیست نتینیم که همگی به نام تعیین شده بودند^b. ^{۲۱}در آنجا، در کنار رود اهوآ، روزه اعلام داشتیم تا خود را در حضور خدایمان اندوهگین سازیم و از او سفری فرخنده برای خود، برای فرزندانمان، و برای اموالمان درخواست کنیم. ^{۲۲}زیرا خجالت زده می شدم که برای محافظت از خود در مقابل دشمن در طول راه، از پادشاه سپاه و سوار درخواست کنم؛ در واقع، به پادشاه گفته بودیم: «دست خدای ما برای نیکویی بر همه آنانی است که او را می طلبند، اما قدرت و خشم او بر جمله آنانی است که او را ترک می کنند.» ^{۲۳}ما روزه گرفتیم و برای این از خدا درخواست کردیم^c، و او ما را اجابت فرمود. ^{۲۴}من دوازده رئیس از کاهنان را به کناری بردم، و نیز شربیا، حشَبیا^d، و با ایشان ده تن از برادرانشان را. ^{۲۵}نقره، طلا، و ظروف را وزن کردم که هدیه برای

a در قرائت یونانی، عبارت «با وی» وجود ندارد.

b تحت اللفظی: «بر اساس نامشان نشانه گذاری شدند.»

c تحت اللفظی: «در این مورد، خدا را طلبیدیم.»

d این دو شخص که به نام ذکر شده اند، لاوی هستند (ر.ک. آیات ۱۸-۱۹). کاهنان و لاویان مسؤول اشیاء مورد استفاده در عبادت می باشند (ر.ک. اعد ۳:۸، ۳۱:۴-۷:۵؛ ۱-توا ۲۶:۲۰).

e تحت اللفظی: «اشیاء، پیش برداشت»: این پیش برداشت هدیه ای است آیینی و عبادی که برای کاهنان و معبد می باشد (ر.ک. توضیح خروج ۲:۲۵).

f کمکهای پادشاه بر مشروعیت پرستشگاه اورشلیم در نظر مقامات امپراطوری پارس تأکید می گذارد.

g تحت اللفظی: «اشیاء نقره، صد برای وزنه ها»: ترجمه احتمالی دیگر: «یکصد شیء از نقره دو-وزنه ای.»

h «داریک» سکه ای از طلا بود که داریوش رایج ساخته بود.

i معنی عبارت «زیبای طلائی» مشخص نیست؛ شاید منظور مفرغی است که با مس پوشیده شده بود.

j منظور اتاقهای مجاور معبد است که در آن هدایا را قرار می دادند (ر.ک. ۱-پاد ۶:۵-۱۰؛ حزق ۴۱:۵-۱۱؛ ۴۲:۱-۱۴).

فرمانداران^P مناطق غرب فرات تحویل دادند و ایشان به قوم و به خانه خدا مساعدت کردند.

دعای خاضعانه عزرا

۹ چون این را به پایان رساندند^q، بزرگان بسوی من جلو آمدند و گفتند: «قوم اسرائیل، کاهنان، و لایوان خود را از قوم‌های سرزمین‌ها جدا ساخته‌اند، مطابق^r [آنچه] کراهت‌های^s ایشان [ایجاب می‌کرد]، کنعانیان، حتی‌ها، فریزیان، یبوسی‌ها، عمّونی‌ها، موآبی‌ها، مصریان و اموریان^t؛ بلکه از دختران ایشان برای خود و پسران خود گرفته‌اند؛ نسل مقدس با قوم‌های سرزمین‌ها نج: ۹: ۲ در هم آمیخته است، و بزرگان و قضات اول از همه در این بی وفایی دست داشته‌اند^u.»^۳ چون از این آگاهی یافتم، جامه و ردای خود را پاره کردم، موها و

تا به اورشلیم برویم. دست خدای ما با ما بود و ما را از چنگ^k دشمن و از کمین‌ها در طول راه محفوظ نگاه داشت. ^{۳۲} به اورشلیم رسیدیم و سه روز در آنجا ماندیم. ^{۳۳} روز چهارم، نقره، طلا، و اشیاء، در خانه خدایمان وزن شد و به دستان مریموت کاهن پسر اوریا^l تحویل داده شد؛ با او العازار پسر فینحاس بود، و با ایشان لایوان، (یعنی) یوزاباد پسر یشوع، و نوعدیا پسر بتوی. ^{۳۴} تعداد و وزن، همه بود. وزن کل را ثبت کردند. در این زمان^m، ^{۳۵} آنانی که از اسارت باز می‌گشتند، آنانی که تبعید شده بودند، دوازده گاو نر برای تمام اسرائیل، نود و شش قوچ، هفتاد بره، دوازده بز نر برای گناهⁿ همچون قربانی‌های سوختنی به خدای اسرائیل تقدیم داشتند: همه همچون قربانی سوختنی برای یهوه^o. ^{۳۶} سپس فرامین پادشاه را به ساتراپ‌های پادشاه و

k تحت اللفظی: «کف (دست)»، یعنی از خطر (ر.ک. مز ۱۱۹: ۱۰۹؛ داور ۱۲: ۳).

l مریموت متعلق به خاندان حَقُوص بود (نج ۴: ۳، ۲۱)، یعنی خانواده‌ای که در اثبات اصل و نسب کهناتی خود دچار مشکل بود (ر.ک. ۶۱: ۲ و نج ۶۳: ۷).

m نگارنده «تواریخ» پس از ارائه مطالبی که از خاطرات عزرا برگرفته شده (یعنی ۲۷: ۷ تا ۳۴: ۸)، چند تذکره را در اینجا گنجانده است (آیات ۳۵-۳۶).

n عدد ۱۲ جایگاه مهمی در کتاب عزرا دارد (ر.ک. ۱۷: ۶ و ۲۴: ۸).

o تبعیدیون (نگارنده اشاره‌ای به دیگران نمی‌کند) قربانی‌های تشکر و قربانی‌هایی برای کفاره گناه تقدیم می‌کنند: همه این قربانی‌ها بدون تمایز، قربانی سوختنی خوانده شده‌اند.

p کلمه پارسی «ساتراپ‌ها» (به جمع)، در اینجا دلالت دارد بر فرمانداران ایالت‌ها؛ همین امر در خصوص کلمه بابلی «پها» (یعنی فرماندار) نیز صدق می‌کند. این دو کلمه را در کنار هم در استر ۳: ۱۲؛ ۸: ۹؛ دان ۲: ۳، ۳؛ ۲۷؛ ۶: ۷ مشاهده می‌کنیم.

q مطابق ۹: ۱۰، ماجرای که در پی می‌آید، اندکی پیش از اواسط ماه نهم رخ داده، لذا مدت‌ها بعد از رسیدن عزرا در ماه پنجم مدتی وقت لازم بود تا عزرا وارد عمل شود.

r این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «... خود را از مردمان سرزمین جدا نساخته‌اند در آنچه که مربوط به کراهت‌های ایشان می‌گردد، کراهت‌های کنعانیان...»

s کلمه «کراهت» که در تشبیه بسیار به کار رفته، دلالت دارد بر رسوم بت پرستی؛ در تث ۱: ۷-۴، بت پرستی‌ای که ناشی از ازدواج با بت پرستان می‌باشد، محکوم شده است؛ نیز ر.ک. خروج ۳۴: ۱۵-۱۶.

t این فهرست سنتی دشمنان قوم است (ر.ک. تث ۱: ۷؛ یوشع ۳: ۱۰ و ۱۱: ۲۴).

u در ملا ۲: ۱۱ همین اتهام بر یهودا وارد شده است.

و برایمان بازمانده‌ای از رهایی یافتگان باقی گذاشت و در مکان مقدس خود، پناهگاهی^z به ما داد؛ بدینسان، خدایمان چشمان ما را روشن ساخته^a و اندکی حیات در بردگی مان به ما داده است.^۹ زیرا که برده هستیم، اما خدای ما، در بردگی مان، ما را رها نکرده است؛ او لطف پادشاهان پارس را بسوی ما متمایل ساخته و آن مقدار حیات به ما عطا کرده تا خانه خدایمان را بر پا بداریم و ویرانه‌هایش را مرمت کنیم، و تا به ما حصاری در یهودا و اورشلیم^b بدهد.^{۱۰} «و اکنون، ای خدای ما، پس از این چه می‌توانیم بگوییم؟ زیرا که احکام تو را ترک کرده‌ایم،^{۱۱} احکامی را که به واسطه خدمت خدمتگزاران انبیا، به این مضمون امر فرموده بودی: سرزمینی که به آن در خواهید آمد تا مالک آن شوید، سرزمینی است که در اثر نجاست قوم‌های سرزمینها نجس شده، در اثر کراهت‌هایی که با آنها آن را از یک سر تا سر دیگر^c با ناپاکی‌هایشان پر ساخته‌اند.^{۱۲} و اکنون، دختران خود را به پسران ایشان مدهید و تث:۷:۳

ریش خود را کندم، و حیران نشستم.^۴ و جمیع آنانی که از سخنان خدای اسرائیل به سبب بی‌وفایی تبعیدیون می‌لرزیدند، نزد من گرد آمدند. اما من تا هدیه آردی شامگاه^۷، حیران نشسته باقی ماندم.^۵ به هنگام هدیه آردی شامگاه، از حالت افتادن بر زمین و بر صورت^w برخاستم؛ با جامه و ردای پاره شده، زانو زدم، دستهای خود را بسوی یهوه، خدایم، دراز کردم،^۶ و گفتم: «ای خدای من، بیش از آن شرمسار و شرمگینم که روی خود را بسوی تو بلند کنم، ای خدای من؛ زیرا خطاهای ما (آفتدر) زیاد شده که از سرمان گذشته، و جرم ما تا به آسمان بزرگ شده است.^۷ از روزگار پدرانمان تا به امروز، سخت مجرم هستیم، و به سبب خطاهایمان، ما و پادشاهانمان و کاهنانمان، به دستان پادشاهان سرزمینها^x سپرده شده‌ایم، به شمشیر، به اسارت، به غارت، و به شرمساری چهره، آن سان [که] امروز [شده است].^۸ و اکنون، همین چند لحظه پیش^y، یهوه، خدای ما، ما را مورد التفات قرار داد

لاو:۱۸ و ۲۵:۲۶؛
حز:۳۶:۱۷

v یعنی حدود ساعت سه بعد از ظهر (ر.ک. ۱-پاد ۱۸:۲۹ و دان ۹:۲۱).

w تحت اللفظی: «از خفت خود برخاستم.»

x تحت اللفظی: «پادشاهان زمینها»، یعنی کشورهای بیگانه.

y منظور بازگشت از تبعید است. این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «در مدتی کوتاه، به ناگاه»، زیرا بازگشت از تبعید به ۷۰ یا ۸۰ سال پیش از آن بر می‌گردد!

z تحت اللفظی: «میخ (چادر)»: این تصویری است که از زندگی بیابان نشینی اخذ شده تا به مکانی برای سکونت اشاره شود.

a منظور احیا کردن است (ر.ک. ۱-سمو ۱۴:۲۹؛ مز ۱۳:۴؛ امث ۲۹:۱۳).

b برخی از مفسران، این کلمه را «دیوار» ترجمه می‌کنند، زیرا در متن عبری، کلمات «دیوار» و «حصار» متفاوت هستند. ترجمه ما مبتنی است بر تفسیر چندین مفسر دیگر (حزق ۱۳:۵؛ ۲۲:۳۰؛ ۴۲:۷؛ میک ۷:۱۱؛ مز ۶۲:۴؛ ۸۰:۱۳). طبق این تفسیر، عزرا ظاهراً بعد از عملیات بازسازی حصار اورشلیم به دست نحمیا به آنجا آمده است. برخی دیگر نیز این کلمه را استعاره‌ای می‌دانند از محافظت الهی از یهودا و اورشلیم؛ اما باید توجه داشت که کلمه «دیوار» هیچگاه در معنای مجازی به کار نرفته است.

c تحت اللفظی: «از یک دهانه تا دهانه دیگر.»

مرخص کردن زنان بیگانه

۱۰. در حبینی که عزرا کاملاً گریان بود و در مقابل خانه خدا سجده کرده بود و دعا و اعتراف می کرد، جمعیت کثیری از اسرائیلیان نزد او گرد آمدند، مرد و زن و کودک؛ زیرا قوم می گریستند، به فراوانی (یا: سخت؟) می گریستند^h. شکتیا پسر یحییئیل، از میان بنی ایلام، رشته سخن را به دست گرفت و به عزرا گفت: «ما با ازدواج با زنان بیگانه از میان مردمان سرزمین، در حق خدا بی وفا بوده ایم؛ اما اکنون، با وجود این، امیدی برای اسرائیل هست. پس اینک پیمانی با خدای خود بندیدم و متعهد شوم که همه زنان بیگانه و فرزندانⁱ را که از ایشان زاده شده اند مرخص کنیم^j، مطابق مشورت سرورم^k و مشورت آنانی که از احکام خدایمان لرزان هستند؛ و باشد که مطابق شریعت به عمل آید^k! بر خیز! زیرا این امر بر عهده تو است. و ما با تو خواهیم بود. قوی باش و دست به کار شو!»^l عزرا بر خاست و رؤسای کاهنان و لاویان و تمام اسرائیل را سوگند داد تا مطابق آنچه گفته شده بود،

دختران ایشان را برای پسرانتان مگیرید^d، و هرگز نه کامیابی ایشان را طالب باشید و نه سعادتشان را؛ بدینسان، نیرومند خواهید بود، مواهب سرزمین را خواهید خورد و [آن را] برای پسرانتان تا به ابد به میراث خواهید گذارد^e.^{۱۳} «و پس از تمام آنچه که بر ما به سبب اعمال بد ما رخ داده- با اینکه تو، ای خدای ما، تنها اندکی از خطای ما را نگاه داشته ای^f و این رهایی یافتگان را برای ما باقی گذارده ای- آیا بار دیگر از احکام تو تجاوز خواهیم کرد و از طریق ازدواج، با قوم های [ابداع کننده] چنین کراهت هایی متحد خواهیم شد؟ آیا بر ما خشم نخواهی گرفت تا آن حد که ما را قلع و قمع کنی، آن سان که نه بازمانده ای باشد و نه رهایی یافته ای؟^{۱۵} ای یهوه، خدای اسرائیل، تو عادل^g؛ زیرا ما فقط تعدادی رهایی یافته باقی مانده ایم، آن گونه که امروز [می باشد]. اینک با مجرمیت خود در حضور تو هستیم. آری، غیر ممکن است که به سبب آنها، در حضور روی تو بایستیم.»

d این قبیل وصلت ها خلوص نسل، ایمان، و پویایی تبعیدیون را به خطر می انداخت.
e آیات ۱۱-۱۲ تنها از یک بخش مشخص از شریعت نقل قول نمی کند، بلکه از چندین بخش از شریعت و نوشته های انبیا: لاو ۱۸:۲۵-۳۰؛ تث ۹:۱۸؛ ۲-پاد ۱۶:۲۱؛ تث ۷:۳؛ ۸:۱۱؛ ۸:۲۳؛ ۷:اش ۱:۱۹؛ حزق ۳۷:۲۵.
f تحت اللفظی: «در کنار (یا زیر) نگاه داشته ای.» قوم خدا لیاقت آن را نداشتند که از بازمانده ای برخوردار باشند؛ خدا همه خطاهای ایشان را در نظر نگرفت، بلکه مقداری را کنار گذاشت.
g یعنی «تو رحیم هستی»؛ در اینجا عدالت نجات بخش خدا مد نظر است.
h بر خلاف فصل قبل، نگارنده در اینجا به سوم شخص می نویسد.
i قرائت عبری: «همه زنان و فرزندانشان را.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی (۳-عز ۸:۹۰)، زیرا طبعاً زنان اسرائیلی را نمی بایست مرخص کنند.
j منظور از «سرور»، عزرا است.
k در واقع، بر اساس برخی متون، می توان به این نتیجه رسید که وصلت با زنان بیگانه امری پذیرفته شده بوده است (پید ۴۱:۴۵؛ ۴۸:۵-۱۲؛ اعد ۱:۱۲-۳؛ روت ۴:۱؛ ۲-سمو ۳:۳). اما آن نسخه ای از شریعت که از بابل آورده شده بود، قاعدتاً بر این ممنوعیت تأکید داشته است، نظیر تث ۷:۱-۴ و ۲۳:۴-۹.
l این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «با قاطعیت عمل کن.»

خواست او را به جا آورید: خود را از مردمان سرزمین و از زنان بیگانه جدا سازید.»^{۱۲} تمام جماعت پاسخ دادند و با صدای بلند گفتند: «درست است: بر ما است که این گونه که گفתי عمل کنیم.»^{۱۳} اما قوم کثیر هستند، و فصل باران می باشد؛ امکان بیرون ماندن نیست. و این کار یک یا دو روز نیست، زیرا تعداد ما که در این امر گناه کرده ایم بسیار است.^{۱۴} پس باشد که بزرگان ما برای P تمام جماعت بمانند: همه آنانی که در شهرهای ما با زنان بیگانه وصلت کرده اند، در زمان های مقرر خواهند آمد، و با ایشان مشایخ هر شهر و داوورانش^{۱۵}، تا آن هنگام که شدت خشم خدایمان را به سبب این امر^{۱۶} بر گردانده باشیم.»^{۱۵} تنها یونانان پسر عسائیل و یحزیا پسر تقوه با این مخالفت کردند^{۱۷}، و مشولام و شبتایی کاهن ایشان را مورد حمایت قرار دادند.^{۱۶} اما آنانی که تبعید شده بودند، آن گونه [که جماعت گفته بودند] عمل کردند.^{۱۷} عزرای کاهن

عمل کنند؛ ایشان سوگند یاد کردند.^{۱۸} عزرا از مقابل خانه خدا دور شد و به اتاق یهوحنان پسر الیاشیب^m رفت، و شب را بدون خوردن نان و نوشیدن آب در آنجا گذراند؛ زیرا به سبب بی وفایی تبعیدیون در سوگ بود.^{۱۹} در یهودا و اورشلیم اعلامیه ای انتشار دادند، خطاب به همه آنانی که تبعید شده بودند، تا در اورشلیم گرد آیند.^{۱۸} هر که ظرف سه روز نمی آمد - نظر بزرگان و مشایخ چنین بود- تمام اموالش به لعنت زده می شد^{۱۹}، و خودش از جماعت تبعیدیون اخراج می گردید.^{۱۹} همه مردان یهودا و بنیامین در ظرف سه روز در اورشلیم گرد آمدند؛ ماه نهم بود، بیستم ماه^{۲۰}. جمیع قوم در میدان خانه خدا نشستند و به سبب این امر و بارش شدید باران، می لرزیدند.^{۲۰} عزرای کاهن برخاست و به ایشان گفت: «شما با وصلت با زنان بیگانه، بی وفا شده اید، و بدینسان بر مجرمیت اسرائیل افزوده اید.^{۲۱} اما اکنون یهوه، خدای پدرانتان را تکریم کنید و

یوشع ۱۹:۷
۱-۶:۵
ار ۱۶:۱۶
ملا ۲:۲۳

m هویت این «یهوحنان پسر الیاشیب» نزد مفسران مورد بحث است. او شاید کاهن اعظمی باشد که در پایروس های الفانتین به او اشاره شده و در حدود سال ۴۱۰ ق.م، در دوره سلطنت داریوش دوم عهده دار این سمت بوده است. الیاشیب نیز شاید کاهن اعظمی بوده که در دوره نحمیا می زیسته است (نح ۳:۱ و ۱۳:۲۸). اگر چنین باشد، باید پذیرفت که خدمت نحمیا متقدم بر خدمت عزرا بوده است. در هر صورت، یهوحنان فرد بلند پایه ای بوده، و حتی بر اساس ۳-عز ۹:۱، کاهن بوده است. n طبق تصریح ت ۱۳:۱۳-۱۷، اموالی که به لعنت زده می شد، می بایست نابود گردد؛ اما در دوره عزرا آنها را از میان نمی بردند، بلکه به نفع معبد مصادره می کردند.

o ماه نهم معادل آذرماه ایرانی است و فصل بارانها است.

p یعنی از طرف تمام جماعت؛ در واقع به این ترتیب، قوم خواستار تشکیل کمیسیونی برای تحقیق شدند.

q تحت اللفظی: «و با ایشان مشایخ یک شهر و یک شهر، و داوورانش.» مشایخ به نوعی شورای شهر را تشکیل می دادند؛ کلمه «داوران» در اینجا به اداره کنندگان جامعه اشاره دارد.

r تحت اللفظی: «تا این امر»؛ چندین نسخه خطی قرائت کرده اند: «در خصوص این امر.»

s تحت اللفظی: «بر علیه این ایستادند»؛ اما ترجمه یونانی برخلاف این قرائت کرده، آورده است: «ایشان با من (یعنی با عزرا) بودند»؛ در این صورت، اشخاص مذکور در این آیه، حامی عزرا بودند، نه مخالف او.

t این گونه نیز می توان ترجمه کرد (گرچه احتمال کمتری دارد): «اما مشولام و شبتایی ایشان را (یعنی اینکه اکثریت با عزرا بودند) حمایت کردند، و پسران تبعیدیون بدینسان عمل نمودند.»

۲۴ و از میان سراینندگان: الیاشیب و زکور.
 و از میان دربانان: شلوم، طالم و اوری.
 ۲۵ و از میان اسرائیلیان:
 از میان بنی فرعوش: رمیا، یزیا، مَلْکیا^a، میامین، العازار، مَلْکیا، بنایا؛
 ۲۶ و از میان بنی ایلام: متنیا، زکریا، یحییئیل، عبدی، یریموت، الیا؛
 ۲۷ و از میان بنی زتو: الیوعینای، الیاشیب، متنیا، یریموت، زاباد، عزیزا؛
 ۲۸ و از میان بنی بابای: یهوحنانان، حننیا، زبای، عتلائی؛
 ۲۹ و از میان بنی بانئ: مشولام، ملوک و عدایا، یاشوب، شال، یراموت؛
 ۳۰ و از میان بنی فحت-موآب: عدنا و کلال، بنایا، معسیا، متنیا، بصلئیل، بنوی و منسی؛
 ۳۱ و از میان بنی حاریم^b: الیعزر، یشیا، مَلْکیا، شمعی، شمعون، ۳۲ بنیامین، ملوک، شمیریا؛
 ۳۳ از میان بنی حاشوم: متنای، متاته، زاباد، الیفلط، یریمای، منسی، شمعی؛
 ۳۴ از میان بنی بانئ: معدای، عمرام، اوئیل، ۳۵ بنایا، بیدیا، کلوهو، ۳۶ ونیا، یریموت، الیاشیب، ۳۷ متنیا، متنای، یعیسای؛

برای خود رؤسای [خاندانهای] پدری برگزید^u، مطابق خاندانهای پدری ایشان که همگی به نام [مشخص شده بودند]. ایشان در روز اول ماه دهم برای بررسی^v امر نشستند؛^w و کار مردانی را که با زنان بیگانه وصلت کردند بودند به پایان نرساندند، مگر در روز اول ماه اول^w.

فهرست مجرمین

^{x18} از میان اعضای خانواده های کهناتی، اینها هستند آنانی که کشف شد با زنان بیگانه وصلت کرده اند:
 از میان بنی یشوع پسر یوصاداق، و از میان برادرانش: معسیا، الیعزر، یاریب، جدلیا^l؛^{۱۹} ایشان متعهد شدند^z که زنان خود را مرخص کنند، و قربانی جبران ایشان، یک قوچ برای مجرمیت ایشان بود؛
 ۲۰ و از میان بنی امیر: حنانی و زیدیا؛
 ۲۱ و از میان بنی حاریم: معسیا، ایلیا، شمعی، یحییئیل، عوزیا؛
 ۲۲ و از میان بنی فشحور: الیوعینای، معسیا، اسماعیل، نتنیئیل، یوزاباد، العاسه.
 ۲۳ و از میان لاویان: یوزاباد: شمعی، قلایا- همان قلیطا- فتحیا، یهودا، الیعزر.

u تحت اللفظی: «ایشان عزرای کاهن، مردان... را انتخاب کردند»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.
 v قرائت عبری: «برای داریوش». در عبری، کلمه «داراش» (یعنی جستجو یا بررسی کردن) با «داریوش» شباهت دارد. اما طبعاً این نمی تواند اشاره به داریوش باشد.
 w به این ترتیب، اصلاحات سه ما به درازا کشید.
 x فهرست مذکور در آیات ۱۸-۴۴، شامل ۲۷ روحانی و ۸۴ یهودی دیگر است، یعنی ۱۱۱ مرد از تعداد کل جماعتی که حداقل سی هزار نفر بود. تعداد مجرمین بسیار اندک به نظر می رسد، اما شاید این فهرست کامل نباشد.
 y این چهار خانواده کهناتی همانهایی هستند که در ۲:۳۶-۳۹ از آنها نام برده شده؛ کهنات اعقاب هارون هنوز برقرار نشده بود.
 z تحت اللفظی: «دست دادند که...» (ر.ک. حزق ۱۷:۱۸؛ ۲-پاد ۱۰:۱۵).
 a قرائت یونانی: «میکیا»؛ برخی از ترجمه های قدیمی، نام «حشبیبا» را در اینجا اضافه کرده اند.
 b قرائت عبری: «بنی حاریم...»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت چندین نسخه خطی عبری.

^{۳۸} و از میان بنی بَنَوی: ^c شمعی،
^{۳۹} شلمیا، ناتان، عدایا؛ ^{۴۰} و از میان بنی
^d عزور: شاشای، شارای، ^{۴۱} عزَرئیل، و
^{۳۳} از میان بنی نبو: یعیئیل، مَتّیا،
 زاباد، زببنا، یدّای، یوئیل، بنایا.
^{۴۴} جمیع اینان زنان بیگانه گرفته بودند؛
 آنان را مرخص کردند، زنان و کودکان را^e.

c قرائت عبری: «بانی و بنوی، شمعی.»
 d قرائت عبری: «مکندبای»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت عبری.
 e تحت اللفظی: «و از ایشان زنان بودند، و ایشان پسران داشتند.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی (عز ۳: ۹-۳۶).

|

۱۱۳۸

—

— |